

توسعه آموزش و پرورش در آسیا و کشورهای اقیانوس آرام با نگرشی به آموزش و پرورش ایران

معرفی مقاله

تهیه و تنظیم: داریوش صدری وحیدی

گرایشهای توسعه آموزش و پرورش در کشورهای آسیایی و اقیانوس آرام و مقایسه آن با روند آموزش و پرورش ایران مسحور اصلی بحث مقاله حاضر می باشد که آقای داریوش صدری وحیدی معاون محترم و کارشناس مسئول دفتر هماهنگی طرحها و برنامه ریزیهای توسعه وزارت آموزش و پرورش تهیه و تنظیم نموده و برای فصلنامه ارسال داشته اند. با ابراز تشکر و قدردانی از علاقه ایشان نسبت به فصلنامه، امید است آمار و ارقام ارائه شده در این مقاله و چگونگی تحول آنها برای پژوهشگران، کارشناسان و برنامه ریزان آموزشی مفید واقع گردد. مطالعات فرهنگی

«فصلنامه»

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

مقاله حاضر تلخیصی از دو فصل اول و دوم ترجمه یکی از نشریات یونسکو و ماحصلی از اجلاس پنجمین کنفرانس منطقه‌ای وزیرای آموزش و پرورش و مسئولان برنامه‌ریزی اقتصادی در آسیا و اقیانوس آرام (MINEDAP) می‌باشد که قسمت اول آن با عنوان «توسعه آموزش و پرورش در آسیا و کشورهای اقیانوس آرام» «با نگرشی به آموزش و پرورش ایران» تالیف و در یک مجلد از سوی دفتر هماهنگی طرحها و برنامه‌ریزیهای توسعه منتشر شده است.

نشریه مذکور مشتمل بر شش فصل به شرح زیر می‌باشد:

فصل اول: به تجزیه و تحلیلی از گرایش‌های عمده توسعه آموزش و پرورش می‌پردازد.

فصل دوم: به «آموزش و پرورش برای همه» اختصاص یافته، تعمیم و نوآوری در آموزش ابتدائی و مسائل مربوط به باسوادی و بیسوادی و... را مورد توجه قرار می‌دهد.

فصل سوم: مباحثی از نوآوری در محتوی و روشهای آموزشی، آموزش علوم برای همه - آموزش و

پرورش و دنیای کار و نقش آموزش فنی و حرفه‌ای در توسعه ملی را مورد بحث قرار می‌دهد.

فصل چهارم: از مسائلی که آموزش عالی در حال حاضر با آن مواجه می‌باشد گفتگو می‌کند.

فصل پنجم: به اولویتهای موجود در توسعه آموزش و پرورش تاکید نموده و به موارد استراتژیک از

قبیل: برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی، اصلاح و تحقیق و گرایش به تجربه و آزمایش در

تعلیم و تربیت، نوآوری و اطلاع رسانی و سازماندهی نیروی انسانی در آموزش و پرورش

اشاراتی دارد. و بالاخره به روش‌های جدید همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای می‌پردازد.

فصل ششم: ضرورت توجه و نگرشی به آموزش و پرورش ایران، از آنجهت برای تهیه کننده مقاله

پیش آمده است که در موارد متعدد مشاهده نموده است که از ارقام و داده‌های مربوط به

کشور ما در نشریات یونسکو از یکسو، به دلیل اختلاف در تعاریف و معیارها و ضوابط

کاربردی و از طرف دیگر در تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری‌ها معمولاً استفاده صحیحی به

عمل نمی‌آید که به مواردی از آن در پیشگفتار مجلد منتشر شده اشاره شده است، لذا

بمنظور رفع هرگونه شبهه و ابهام در داده‌های یونسکو و نیز ارائه آخرین اطلاعات از

آمارهای آموزشی، جمعیتی درباره کشورهای مطالبی را به صورت زیرنویس تهیه و عنداللزوم با مطالب مربوط به متن اصلی در آمیخته و تالیف نموده است که بدان وسیله بیش از پیش امکان مقایسه و تطبیق داده‌ها و نتیجه‌گیری‌های درست را فراهم آورد.

فصل اول

گرایش‌های توسعه آموزش و پرورش در کشورهای آسیا و اقیانوس آرام

۱ - در زمینه مسائل جمعیتی (دموگرافیک)

عوامل مختلف جمعیتی از قبیل: تعداد جمعیت، ساخت و میزان رشد جمعیت، توزیع جمعیت فعال و جمعیت در سن تحصیل و سایر عوامل جمعیتی واجد اهمیت بسیار بوده و بطور مستقیم بر روی توسعه و به نحو غیرمستقیم بر کارآئی و منابع موجود آموزش و پرورش تاثیر می‌گذارند.

۱ - ۱ - حجم و رشد سالانه جمعیت دو خصیصه مهم جمعیتی آسیا و کشورهای اقیانوس آرام بشمار می‌آیند، زیرا که امروزه بیش از سه میلیارد نفر که قریب به دو سوم (۶۳ درصد) از جمعیت جهان را شامل می‌شود در این منطقه زندگی می‌کنند. جمعیت فوق‌الذکر در سال دو هزار به حدود ۳۸۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

جدول شماره ۱ تحول جمعیت جهان و کشورهای آسیا و اقیانوس آرام را نشان می‌دهد.

برآورد تعداد کل جمعیت جهان و کشورهای آسیا و اقیانوس آرام از سال ۱۹۷۰ الی ۲۰۰۰ (بسر حسب میلیون نفر)

جدول شماره ۱

منطقه	سال	۱۹۷۰	۱۹۸۵	۲۰۰۰	تعداد کشورها
کل جهان		۳۶۹۶	۴۸۲۶	۶۱۱۹	—
آسیا و کشورهای اقیانوس آرام		۲۳۲۸	۳۰۴۷	۳۷۸۱	(۳۱)
درصد جمعیت آسیا و اقیانوس آرام به کل جهان		(۶۳٪)	(۶۳/۱٪)	(۶۱/۸٪)	—
کشورهای توسعه یافته آسیا و اقیانوس آرام		۳۶۱	۴۱۷	۴۶۱	(۴)
کشورهای در حال توسعه آسیا و اقیانوس آرام		۱۹۶۶	۲۶۲۹	۳۳۲۰	(۲۷)
درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه نسبت به کل آسیا		(۸۴/۵٪)	(۸۶/۳٪)	(۸۷/۸٪)	—
درصد نسبت به کشورهای در حال توسعه جهان		(۷۵٪)	(۷۲/۷٪)	(۷۵٪)	—

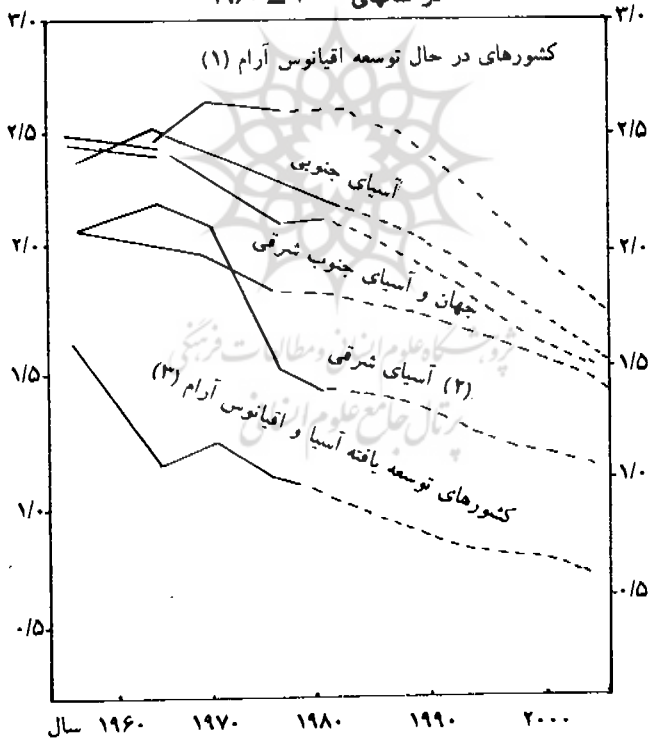
بخش جمعیتی سازمان ملل متحد (برآورد ۱۹۸۰ فرض متوسط).

غیر از چند کشور در حال توسعه منطقه، که میزان رشد جمعیت در آنها بالا مانده است در بقیه کشورهای منطقه آسیا به وضوح یک گرایش جدید جمعیتی ملاحظه می‌شود. برآوردها و پیش‌بینی‌های بعمل آمده از جمعیت جهان و منطقه توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که میزان رشد متوسط سالانه جمعیت جهان مرتباً تنزل می‌کند. در سالهای ۱۹۶۰ که میزان مذکور از ۲ درصد تجاوز می‌نمود، در سال ۲۰۰۰ به کمتر از ۱/۵ درصد خواهد رسید.

در آسیای شرقی و آسیای جنوبی نیز در فاصله سالهای ۷۰-۱۹۶۵ حداکثر رشد به ۲/۱۵ و ۲/۴۷ درصد رسیده است. در آسیای شرقی یک تنزل یا کاهش سریع در میزان رشد جمعیت در جریان سال‌های ۱۹۷۰ به ثبت رسیده است که اساساً ناشی از تحولات پیش آمده در کشور چین می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود که میزان رشد جمعیت در آسیای جنوبی و جنوب شرقی از ۱/۵ درصد و در آسیای شرقی از ۱ درصد کمتر نباشد. در کشورهای توسعه یافته منطقه نیز این میزان قریب به ۰/۵ درصد خواهد بود. (منحنی‌های نمودار ۱ - را نگاه کنید).

میزان رشد متوسط سالانه جمعیت کل جهان

نمودار ۱ - مناطق تابعه و آسیا و اقیانوس آرام
در سالهای ۲۰۰۰ - ۱۹۶۰ درصد



(۱) غیر از استرالیا و زلاندنو

(۲) غیر از ژاپن

(۳) استرالیا، ژاپن، زلاندنو و روسیه شوروی

برآورد و پیش‌بینی بخش جمعیت سازمان ملل متحد.

بررسی‌ها در مورد ایران حاکی از آنست که جمعیت ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه با آهنگ سریع‌تری افزایش می‌یابد. بطوریکه در فاصله سالهای سرشماری اول و آخر کشور (۳۰ سال) افزایش مطلق جمعیت بالغ بر ۳۰ میلیون نفر گردیده است. به عبارت دیگر در این مدت جمعیت کشور بیش از ۲/۶ برابر زیاد شده است و چنانچه میزان رشد ناخالص (اعم از رشد طبیعی و مهاجرت از خارج) متوسط سالانه همانگونه که جدول زیر نشان می‌دهد (۳/۹ درصد) ادامه یابد پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶ میلادی) جمعیت کشور بیش از ۷۳ میلیون نفر و در سال ۲۰۰۰ میلادی هم بالغ بر ۸۵ میلیون نفر باشد.

جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ الی ۱۳۷۵ (ارقام به هزار نفر)

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
جمعیت	(۱۹۵۶)	(۱۹۶۶)	(۱۹۷۶)	(۱۹۸۶)	(۱۹۹۶)
جمعیت	۱۸۹۵۵	۲۵۷۸۹	۳۳۷۰۹	۴۹۸۶۰	۷۳۷۴۳
افزایش	۶۸۳۴	۷۹۲۰	۱۶۱۵۱	۲۳۸۸۳	
میزان رشد متوسط سالانه %	۳/۱	۳/۷	۳/۹		

نشریات سرشماری و سال ۱۳۷۵ برآورد می‌باشد.

۲- یکی دیگر از ویژگیهای مهم جمعیتی کشورهای در حال توسعه آسیا و اقیانوس آرام بالا بودن نسبت اطفال و جوانان کمتر از ۱۵ سال می‌باشد. نسبت مزبور که در سال ۱۹۷۰ (۴۱/۲ درصد) کل جمعیت بوده، علیرغم آنکه کمی پائین آمده همچنان رقم بالائی را تشکیل می‌دهد بطوریکه امروزه نسبت مزبور حدود (۳۵/۲ درصد) بوده و برآورد می‌شود که در سال ۲۰۰۰ هم به حدود (۳۰ درصد) برسد.

در کشورهای توسعه یافته منطقه، جمعیت کمتر از ۱۵ سال که در سال ۱۹۷۰ به میزان ۲۷/۳ درصد بوده امروزه به حدود ۲۳/۸ درصد تقلیل یافته است و پیش‌بینی می‌گردد که در سال ۲۰۰۰ نسبت مزبور به ۲۲/۲ درصد خواهد رسید. در حال حاضر از لحاظ قدر مطلق تعداد اطفال و جوانان کمتر از ۱۵ سال در کشورهای آسیا و اقیانوس آرام به بیش از یک میلیارد نفر تخمین زده می‌شود که عرضه امکانات آموزشی برای این توده عظیم جمعیت جوانان در سالهای آینده برای مسوولان آموزش و پرورش مسائل و دشواری‌هایی به وجود خواهد آورد و احتمالاً آنها را با اشتغال خاطر و دل‌نگرانی‌های عظیمی روبرو خواهد ساخت.

در این زمینه درباره کشورمان به این مطلب اشاره می‌کنیم که جمعیت کمتر از ۱۵ سال (۱۴-۰) ایران که در سرشماری اول (۱۳۳۵) ۴۲/۲ درصد کل جمعیت کشور بوده، در سرشماری بعدی (۱۳۴۵) به ۴۶/۱ درصد افزایش یافت از آنجا که جوانی جمعیت در سرشماری ۱۳۵۵ نیز همچنان مشهود بوده است (۴۴/۵ درصد) به نظر میرسد که با در نظر گرفتن آهنگ سریع افزایش جمعیت و بالا بودن میزان

رشد متوسط آن و تأثیر سایر عوامل جمعیتی، جوانی جمعیت در سال ۶۵ و سالهای بعد از آن نیز همچنان مهم‌ترین شاخص جمعیتی ایران باشد، از این رو همچنان که در متن گفته شده است این مسأله برای مسئولان مملکتی ما نیز نظیر سایر کشورها متضمن دشواری‌هایی خواهد بود که خود مستلزم اتخاذ تدابیر و چاره‌اندیشی‌های لازم می‌باشد ذیلاً بمنظور آگاهی و استفاده علاقمندان به مسائل آموزشی و برنامه‌ریزان سیر تحول ساختار سنی جمعیت ایران را در فاصله سی ساله اخیر که ضمناً با گروه‌های سنی موردنیاز نظام فعلی آموزشی کشور هم منطبق باشد محاسبه و ارائه می‌گردد.

درصد گروه‌های سنی نسبت به کل جمعیت کشور در فاصله ۳۰ سال اخیر

جمع	۲۵ سال و بیشتر	۲۴ - ۱۸ ساله	۱۷ - ۱۴ ساله	۱۳ - ۱۱ ساله	۱۰ - ۶ ساله	۵ - ۰ ساله	گروه‌های سنی
							سال
۱۰۰	۴۲/۴۰	۱۰/۹	۶/۴	۵/۹	۱۳/۸	۲۰/۶	۱۳۳۵ (۱۹۵۶)
۱۰۰	۳۸/۷۳	۹/۵۸	۷/۷۴	۶/۹۹	۱۵/۴۶	۲۱/۵۰	۱۳۴۵ (۱۹۶۶)
۱۰۰	۳۶/۵۷	۱۲/۲۹	۹/۰۱	۷/۵۳	۱۵/۰۴	۱۹/۵۶	۱۳۵۵ (۱۹۷۶)
۱۰۰	۳۷/۶۶	۱۰/۹۳	۸/۳۷	۷/۲۶	۱۵/۲۵	۲۰/۵۳	۱۳۶۵ (۱۹۸۶)

کلیه درصدها با استفاده از ارقام پایه‌ای و گروه‌های سنی مندرج در نشریات سرشماری محاسبه و سال ۶۵ نیز برآورد شده است.

۳ - ۱ توزیع جمعیت و شهرنشینی

در آسیا و کشورهای اقیانوس آرام اکثریت جمعیت در روستاها ساکن می‌باشند، بطوریکه در کل منطقه فقط $\frac{۱}{۳}$ (۳۳/۸ درصد) از جمعیت در شهرهای بزرگ یا کوچک زندگی می‌کنند. اگر چهار کشور منطقه (استرالیا - ژاپن - زلاندنو و روسیه شوروی) را که میزان شهرنشینی در آنها بالا می‌باشد در نظر نگیریم نسبت مذکور $\frac{۲۷}{۸}$ درصد یعنی کمی بیش از $\frac{۱}{۳}$ تقلیل می‌یابد. درصد شهرنشینی در کشورهای منطقه از ۵ تا ۹۰ درصد در نوسان می‌باشد. جمعیت شهرنشین در اثر مهاجرت‌های داخلی و افزایش طبیعی سریعاً افزایش می‌یابد، برآوردهائی که بعمل آمده نشان می‌دهد که جمعیت مزبور از تعداد ۴۶۶ میلیون نفر در سال ۱۹۶۰ به تعداد ۶۵۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ سپس به ۸۸۶ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ رسیده است. بدین ترتیب اگر آهنگ رشد به صورت فعلی باشد یعنی همانطور که در طول بیست سال گذشته جمعیت شهرنشین به دو برابر بالغ گشته است ادامه یابد جمعیت مزبور در سال ۲۰۰۰ به تعداد ۱۶۲۰ میلیون نفر خواهد رسید، از این رو پیش‌بینی می‌شود که نسبت شهرنشینی نیز از $\frac{۳۳}{۸}$ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۳ درصد در پایان قرن برسد. آهنگ سریع شهرنشینی در منطقه آسیا را می‌توان با رشد شهرهای بزرگ نظیر (بانکوک و بمبئی) که در ۱۰ سال گذشته

جمعیت آنها دو برابر گشته است توجیه نمود. بطور کلی باید گفت که در کشورهای در حال توسعه‌ای که در جریان صنعتی شدن باشند، جریان مهاجرت از روستا به شهر بسیار شدید بوده و این امر در توسعه آموزش و پرورش و ناگزیر در توزیع جغرافیائی احتیاجات و نیاز به نیروی انسانی و فضاهاى آموزشی تأثیر مهمی بجا گذاشته و تغییراتی را به دنبال خود می‌آورد.

در ایران نیز تحولات و مقتضیات اجتماعی و اقتصادی کشور در فاصله ۳۰ سال اخیر تحولات جمعیتی ایران را به سمت شهرها سوق داده و در نتیجه شهرگرایی و میزان شهرنشینی را مرتباً افزایش داده است بعنوان مثال جمعیت شهرنشین ایران که در سرشماری اول (۱۳۳۵) تعداد ۵,۹۵۳,۵۶۳ نفر بوده است در سرشماری (۱۳۴۵) به تعداد ۹,۷۹۴,۲۴۶ نفر و در سال (۱۳۵۵) نیز به تعداد ۱۵,۸۵۴,۶۸۰ نفر رسید. ملاحظه می‌شود که در طول بیست سال گذشته (۵۵-۱۳۳۵) جمعیت شهرنشین ایران کلاً تعداد ۹,۹۰۱,۱۱۷ نفر یعنی حدود ۳ برابر زیاد شده است. جدول زیر چگونگی تحول شهرنشینی و درصد تغییرات آن را در کل کشور نشان می‌دهد:

تحول جمعیت شهرنشین ایران در فاصله ۳۰ سال

سال	۱۳۳۵ (۱۹۵۶)	۱۳۴۵ (۱۹۶۶)	۱۳۵۵ (۱۹۷۶)	۱۳۶۵ (۱۹۸۶)
درصد شهرنشین	۳۱/۴	۳۸/۷	۴۷/۰	۵۳/۴
درصد روستانشین	۶۸/۶	۶۱/۳	۵۳/۰	۴۶/۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۲ - مسائل مربوط به توسعه آموزش و پرورش

گسترش آموزش و پرورش در همه دوره‌های تحصیلی منطقه آسیا یکسان نبوده است، مثلاً از ۲۰ یا ۳۰ سال به اینطرف آموزش متوسطه و عالی بسیار سریع‌تر از آموزش ابتدائی توسعه یافته است تا جائی که امروزه ملاحظه میشود در کشورهای صنعتی شده منطقه آموزش متوسطه تقریباً تعمیم یافته است. و ازدیاد دانش آموزان در کشورهای در حال توسعه آشکارا با دو مسأله بزرگ و اساسی مواجه می‌باشد. یکی از این مسأله انطباق آموزش با نیازها و مسأله بروز بیکاری مخصوصاً در میان جوانانی که دارای تحصیلات کامل متوسطه هستند می‌باشد. و دیگری مسأله کیفیت آموزشی می‌باشد.

گرایش‌های کلی در تحول تعداد دانش‌آموزان

آمار و ارقام مربوط به تعداد دانش‌آموزان در دوره ۸۲-۱۹۷۰ حداقل دو گرایش کلی در منطقه را آشکار می‌سازد (به جدول شماره ۲ مراجعه شود) نخستین گرایش یا ویژگی این است که در چهار کشور صنعتی و در کشورهای در حال توسعه منطقه تعداد دانش‌آموزان کسب دوره‌های تحصیلی افزایش یافته است. (غیر از چین که در آنجا در فاصله دوره یک نوسان شدیدی مشاهده می‌شود) لکن در شروع سال ۱۹۷۵ میزان رشد دانش‌آموزان صرف نظر از یک افزایش ناگهانی در آموزش ابتدایی کشورهای صنعتی، در بقیه کشورها کند شده است.

دومین گرایش یا ویژگی، تنزل تدریجی در نسبت دانش‌آموزان دوره ابتدایی در رابطه با تعداد کل دانش‌آموزان ثبت نام کرده کلیه سطوح تحصیلی می‌باشد که مطابقت می‌کند با گسترش بسیار سریع دوره‌های متوسطه و عالی.

تعداد دانش‌آموزان بر حسب دوره‌های تحصیلی در کشورهای آسیایی و اقیانوس آرام
جدول شماره ۲ در فاصله ۱۹۸۲ - ۱۹۷۰

رشد متوسط سالانه (به درصد)				تعداد دانش‌آموز (بر حسب هزار نفر)				تعداد و سال		منطقه و سطوح تحصیلی								
												۱۹۸۲	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰			
۱۹۸۵	۱۹۷۵	۱۹۷۰								کشورهای آسیایی و اقیانوس آرام (کشور ۳)	کل دوره‌ها	۳۷۲۸۶۶	۴۷۱۴۳۲	۵۱۸-۶۸	۵۲۱۹۸۰	۴/۸	۱/۹	-۱/۴
۱۹۸۲	۱۹۸۰	۱۹۷۵									ابتدایی	۲۶۶-۳۷	۳۲۸۳۱۱	۳۴۷۹۵۴	۳۵۳۹۰۰	۴/۳	۱/۲	-۱/۹
											متوسطه	۹۵۳۲۹	۱۲۸۱۲۴	۱۵۱۲۹۵	۱۴۷۵۴۳	۶/۱	۳/۴	-۱/۳
											عالی	۱۱۵۰۰	۱۴۹۹۹	۱۸۸۱۹	۲۰۵۳۷	۵/۵	۴/۶	۴/۵
										کشورهای توسعه یافته آسیا و اقیانوس آرام (کشور ۴)	کل دوره‌ها	۷۴۷۵۲	۷۴۵۰۸	۷۴۸۱۸	۷۵۱۹۹	-۱/۱	-۱/۱	-۱/۳
											ابتدایی	۳۷۴۴۸	۳۳۶۴۲	۳۵۵۲۶	۳۶۳۳۶	-۲/۱	۱/۱	۱/۱
											متوسطه	۳۰۶۸۳	۳۳۴۱۷	۳۱۲۴۴	۳۰۷۹۹	۱/۷	-۱/۳	-۱/۷
											عالی	۶۶۲۲	۷۴۴۹	۸۰۴۹	۸۰۶۴	۲/۴	۱/۶	-۱/۱
										کشورهای در حال توسعه آسیا و اقیانوس آرام (کشور ۲)	کل دوره‌ها	۱۶۶۳۰۲	۲۰۰۱۱۵	۲۳۹-۴۲	۲۵۸۸۵۹	۳/۸	۳/۶	۴/۱
											ابتدایی	۱۲۳۳۰۹	۱۴۳۷۲۹	۱۶۶۱۵۸	۱۷۷۸۴۵	۳/۱	۲/۹	۳/۵
											متوسطه	۳۸۱۶۳	۴۹۳۳۷	۶۳۲۷۴	۶۹۷۱۶	۵/۳	۵/۱	۵/۰
											عالی	۴۸۳۰	۷۰۴۹	۹۶۱۰	۱۱۲۹۸	۷/۹	۶/۴	۸/۴

مأخذ: اداره آمارهای یونسکو.

در کشور ما تحول دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی و میزان رشد متوسط سالانه (درصد) در فاصله سالهای ۶۴ - ۱۳۵۰ (۸۵ - ۱۹۷۱) شرح جدول زیر بوده است.

میزان رشد متوسط سالانه (به درصد) ***		تعداد دانش‌آموز							سال تحصیلی	دوره‌های تحصیلی
		۹۵ - ۱۳۶۱	۹۱ - ۱۳۵۹	۵۹ - ۱۳۵۴	۵۲ - ۱۳۵۰	۶۶ - ۱۳۶۵ آخرین آمار موجود (۱۹۸۶)	۶۲ - ۱۳۶۱ (۱۹۸۲)	۶۰ - ۱۳۵۹ (۱۹۸۰)		
۷/۱	۵/۰	۲/۴	۹/۶	۱۱۱۷۵۳۶۹	۸۴۸۲۴۴۲	۷۶۹۵۲۲۲	۶۸۲۶۹۴۶	۴۷۲۰۶۳۲	کل دوره‌های تحصیلی	
۶/۶	۸/۰	۱/۵	۸/۴	۷۲۳۲۸۲۰	۵۵۹۲۸۰۸	۴۷۹۸۵۹۲	۴۴۶۸۲۹۹	۳۲۳۰۸۸۰	دوره ابتدائی	
۷/۶	۴/۴	۴/۲	۹/۸/۸	۲۲۹۹۵۱۰	۱۷۱۷۰۹۷	۱۵۷۵۰۶۴	۱۲۸۳۶۶۹	۲۵۹۲۱۸	دوره راهنمایی تحصیلی	
۶/۱	۵/۰	۶/۰	۹/۶	۱۰۷۶۷۴۲	۸۴۹۰۵۴	۹۴۱۵۲۸	۷۰۵۰۰۹	۱۱۴۰۹۹۵	دوره متوسطه عمومی	

(*) به علت ورود دانش‌آموزان نظام جدید به سیستم آموزشی کشور در دوره راهنمایی تحصیلی به جای ۱۹۷۰ سال ۱۹۷۱ - انتخاب گردید.

(**) علت بالا بودن بیش از حد رشد متوسط سالانه این است که در سال ۵۱ - ۵۰ فقط دانش‌آموزان پایه اول دوره راهنمایی در سیستم آموزشی بوده است ولی چهار سال بعد دانش‌آموزان کلیه پایه‌ها در سیستم آموزشی قرار گرفته‌اند. تعمق بیشتر در جدول فوق الذکر و مقایسه آن با نسبت‌های مربوط به کشورهای آسیا و اقیانوس آرام نشان می‌دهد که هر دو گرایش مذکور معالک پاد شده در کشور ما نیز صادق بوده است. یعنی اولاً تعداد دانش‌آموزان در کلیه دوره‌ها افزایش داشته است و ثانیاً نسبت دانش‌آموزان دوره ابتدائی همزمان با توسعه و گسترش دوره‌های متوسطه و عالی تنزل تدریجی یافته است.

(**) درصدهای بدست آمده در این جدول که از ارقام واقعی موجود حاصل شده است با درصدهای مندرج در جدول شماره ۳ در بعضی از موارد تفاوت دارد که به علت‌های این نوع تفاوت‌ها در مقدمه اشاره شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اهمیت مضاعف تعلیم و تربیت اولیه اطفال بیش از پیش شناخته شده می‌باشد. اولین سالهای زندگی تاثیر عمیقی در رشد و توسعه فیزیکی، اخلاقی، احساس و اجتماعی طفل دارد. از این رو بمنظور نیل به هدف‌های تربیتی مخصوصاً در مورد اطفال و جوانان کم سن و سالی که عوامل نامساعد محیط آنها را در بر گرفته و نیز در پاسخ به افزایش ثبت نام در مدارس ابتدائی و اصلاح و بهبود نتایج آموزشی سرویس‌های مقدماتی و اولیه‌ای برای تعلیم و تربیت اطفال ۳ تا ۵ ساله در کشورهای صنعتی منطقه به وجود آمده است.

۲ - آموزش ابتدائی

تعلیم آموزش ابتدائی به عنوان یک اصل برای اولین بار در سال ۱۹۶۰ در «طرح کراچی» بوسیله کشورهای آسیائی مورد تصویب قرار گرفت. طرح مذکور پیشنهاد می‌کرد که: «هر یک از کشورهای منطقه یک سیستم از آموزش ابتدائی عمومی، اجباری و رایگان را برای حداقل یک دوره آموزشی ۷ ساله در مدت زمانی حداکثر ۲۰ ساله (۱۹۸۰ - ۱۹۶۰) در مدنظر گرفته و برقرار نمایند*».

امروزه ملاحظه می‌شود که «طرح» و «اصل» مذکور تحقق نیافته است و در توجیه آن از جمله چنین بیان می‌کنند که رشد جمعیت بسیار سریع‌تر از پیش‌بینی‌های سال ۱۹۶۰ بوده است. معیضاً هنوز هم تعمیم آموزش ابتدائی به عنوان یک اولویت اصلی که در مهلت‌های مقرری بتوان آنرا به تحقق رساند از سوی تعداد زیادی از حکومت‌های منطقه به رسمیت شناخته شده است و در این راه قصد موکد هم این است که به همه اطفال نوعی از آموزش ابتدائی که مفید باشد ارائه گردد.

پوشش آموزشی:

از لحاظ پوشش آموزشی و یا نسبت اشتغال به تحصیل کشورهای منطقه را می‌توان با چهار نوع متمایز کرد (جدول شماره ۳)

— چهار نوع کشور صنعتی منطقه (استرالیا - ژاپن - روسیه شوروی) که ۱۳/۷ درصد از کل جمعیت منطقه در آنجا زندگی می‌کنند، دارای یک آموزش ده ساله کاملاً تعمیم یافته هستند. — در میان کشورهای در حال توسعه منطقه، گروه الف شامل ۱۳ کشور یا ۴۸/۵ درصد از مجموع جمعیت منطقه دارای صددرصد یا بیشتر نسبت اشتغال به تحصیل هر دو جنس می‌باشند.

* قانون تعلیمات اجباری دوره ابتدائی در ایران به سال ۱۳۲۲ تصویب گردید و برای اولین بار در سال ۱۳۲۸ دو شهر قزوین و آستارا مشمول اجرای قانون تعلیمات اجباری شدند. یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۹ ده شهر دیگر و در سالهای بعد بتدریج سایر شهرها مشمول اجرای قانون مذکور شدند ولی هرگز اجرای این قانون به معنی و مفهوم واقعی خود یعنی تعمیم آموزش ابتدائی در هیچیک از شهرهای مشمول بطور کامل اجراء نشد.

شرح		میزان رشد سالانه دانش‌آموزان (به درصد)			میزان ناخالص اشتغال به تحصیل (به درصد)		
		۱۹۷۰-۷۵		۱۹۷۵-۸۰		۱۹۸۰-۸۲	
		دو جنس	پسر	دختر	دو جنس	پسر	دختر
گروه کشورهای توسعه یافته	استرالیا	۱/۸	۱/۰	۱/۸	۱۱۰	۱۰۹	۱۰۹
	روسیه شوروی	۳/۷	۰/۳	۱/۸	۱۰۴	-	۱۰۷
	ژاپن	۱/۵	۲/۷	۰/۳	۹۹	۱۰۰	۱۰۰
	زلاندنو	۰/۵	-	۱/۲	۱۱۰	۱۰۳	۱۰۱
	چین	۷/۵	-	۰/۹	۱۰۲	۱۲۷	۱۰۴
	اندونزی	۳/۶	۷/۵	۲/۸	۷۷	۱۲۲	۱۰۹
	جمهوری دموکراتیک خلق کره (۲)	-	-	-	-	۱۱۵	۱۱۲
	ویتنام (۲)	-	۱/۳	۳/۵	۱۱۹	۱۲۰	۱۰۶
	فیجی	۱/۶	-	۰/۶	۱۰۶	۱۱۰	۱۰۹
	تونگا	۱/۵	-	۲/۱	۱۱۷	۱۱۰	۱۰۵
	فیلیپین	۱/۷	۲/۳	۸/۰	۱۰۸	۱۰۶	۱۰۷
	مغولستان	۲/۷	۲/۱	۲/۱	۱۱۶	۱۰۵	۱۰۸
	جمهوری کره	۰/۵	-	۱/۲	۱۰۳	۱۰۶	۱۰۳
	سنگاپور	۲/۰	-	۲/۳	۱۰۶	۱۰۶	۱۰۲
سریلانکا	۳/۰	۷/۷	۱/۵	۶۹	۱۰۶	۱۰۱	
ترکیه	۱/۷	۰/۷	۳/۵	۱۰۸	۱۱۱	۹۵	
جمهوری دموکراتیک	۰/۳	۸/۶	۴/۲	۶۴	۱۰۷	۹۳	
گروه سب (۸۵ تا ۹۹ درصد)	ساموآ	۲/۱	۰/۲	۰/۸	۹۸	۹۷	۱۰۱
	جمهوری اسلامی ایران	۸/۲	۳/۱	۳/۵	۷۴	۱۱۲	۸۱
	تایلند	۳/۰	۳/۳	۰/۸	۹۱	۹۸	۹۳
	نیال	۱/۹	۱۴/۱	۱۹/۲	۲۶	۱۴۱	۴۳
	مالزی	۲/۴	۱/۳	۱/۵	۸۷	۹۳	۹۱
	بیرمانی	۱/۸	۳/۳	۲/۹	۸۷	۸۸	۸۴
	هند	۲/۱	۲/۰	۴/۴	۷۳	۱۰۰	۷۰
	پاپوآزی گینه نو	۴/۵	۴/۷	۴/۳	۵۲	۷۳	۵۸
گروه ج: (کمیتر از ۷۰ درصد)	بنگلادش	۹/۶	-	۳/۲	۵۲	۷۸	۴۹
	پاکستان	۵/۶	۶/۱	۴/۶	۴۰	۸۱	۳۳
	افغانستان	۵/۴	۷/۳	۶/۴	۲۵	۱۹	۱۴
	بوتان	۰/۳	۱۱/۱	۱۰/۹	۶	۵۷	۱۰

(۱) در هر گروه کشورها برحسب میزان ناخالص نسبت به اشتغال به تحصیل دو جنس (دختر و پسر) در سال

۱۹۸۲ برحسب پسر و دختر و دو جنس طبقه‌بندی شده است.

(۲) ارقام مربوط به سال ۱۹۷۶ می‌باشد.

— گروه ب شامل ۷ کشور با ۳۰/۲ درصد از کل جمعیت منطقه می شود که پوشش آموزشی یا نسبت اشتغال به تحصیل ناخالص آنها بین ۸۵ تا ۹۹ درصد می باشند.

— گروه ج مرکب از پنج کشور با ۷/۵ درصد از کل جمعیت منطقه می باشد که از لحاظ پوشش آموزشی یا نسبت اشتغال به تحصیل بین ۱۵ تا ۷۰ درصد قرار می گیرند. میزان رشد متوسط سالانه دانش آموزان این گروه در سالهای اخیر به ترتیب از ۵ درصد تا ۱۰ درصد متغیر بوده است، معهداً برای آنکه تا سالهای ۱۹۹۰ آنها نیز به تمم آموزش ابتدائی دست یابند، می بایست به رشدی معادل ۷ تا ۱۲ درصد تاکید ورزید. تجارب بدست آمده نشان می دهد در نقاطی که نسبت اشتغال به تحصیل در آنها پائین است می توان در مدت زمان نسبتاً کوتاهی با اعمال سیاست‌هایی مخصوصاً از طریق کاهش بسیار محسوس ترک تحصیل و تکرار کنندگان و افزایش دادن تعداد ثبت نام کنندگان بعضی از گروههای جمعیتی به ویژه دختران و اطفال لازم التعلیم مناطق جغرافیائی دوردست نسبت فوق‌الذکر را بالا برده و افزایش داد.

بررسی‌ها حاکی از آنست که در کل منطقه بیش از ۶۰ میلیون نفر از اطفال در سن مدرسه ابتدائی خارج از مدرسه می باشند یعنی زیرپوشش آموزشی قرار ندارند.

۳ — ۲ آموزش متوسطه:

در اغلب کشورها آموزش متوسطه به دو دوره تقسیم می شود. دوره اول معمولاً ادامه آموزش ابتدائی است در این دوره معمولاً نسبت زیادی از شاگردان در دوره ابتدائی پذیرفته می شوند. دوره دوم در واقع دوره حسن انتخاب برای ورود به آموزش بعد از دوره متوسطه (مؤسسات آموزش عالی) یا به زندگانی فعال می باشد. آموزش متوسطه بسته به نوع مؤسسه آموزشی متفاوت می باشد. مثلاً آموزش متوسطه عمومی، آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای، مؤسسه تربیتی و غیره .

پوشش آموزشی یا نسبت اشتغال به تحصیل را می توان به دو نوع تعریف و محاسبه کرد: الف: اشتغال به تحصیل خالص که از تقسیم تعداد دانش آموزان واقع در یک سن معین یک پایه یا یک دوره تحصیلی به تعداد جمعیت متناظر همان پایه یا گروه سنی به دست می آید مثلاً نسبت یا میزان اشتغال به تحصیل خالص در کلاس دوم ابتدائی عبارت است از:

$$100 \times \frac{\text{تعداد دانش آموزان ۷ ساله کلاس دوم}}{\text{تعداد جمعیت ۷ ساله}}$$

ب: میزان ناخالص اشتغال به تحصیل یا پوشش آموزشی ناخالص از تقسیم تعداد کل دانش آموزان (با هر سن) یک پایه یا دوره تحصیلی معین به تعداد کل جمعیت همان پایه یا دوره تحصیلی حاصل می شود. مثلاً پوشش آموزشی یا میزان ناخالص اشتغال به تحصیل در دوره ابتدائی چنین به دست می آید:

$$100 \times \frac{\text{تعداد کل دانش آموزان مجموع پایه‌های ابتدائی (با هر سن)}}{\text{تعداد کل جمعیت ۱۰ - ۶ ساله}} = \text{میزان یا نسبت ناخالص اشتغال به تحصیل ابتدائی}$$

با توجه به توضیحات بالا پوشش آموزشی یا نسبت اشتغال به تحصیل ناخالص دوره‌های

مختلف تحصیلی کل کشور (در دو جنس) در فاصله سالهای ۱۳۴۵ الی ۱۳۶۵ شرح جدول زیر بر آورد و ارائه می گردد.

میزان ناخالص اشتغال به تحصیل (درصد) دوره های مختلف تحصیلی در کل کشور (*)

سال دوره های تحصیلی	۱۳۴۵ - ۴۶ (۱۹۶۶)	۱۳۴۹ - ۵۰ (۱۹۷۰)	۱۳۵۵ - ۵۶ (۱۹۷۶)	۱۳۶۱ - ۶۲ (۱۹۸۲)	۱۳۶۴ - ۶۵ (۱۹۸۵)	۱۳۶۵ - ۶۶ (۱۹۸۶)
ابتدایی	۶۶	۷۷/۸	** ۹۴/۱	** ۸۸/۵	۹۶/۲	۹۸/۵
راهنمایی تحصیلی	-	-	۵۳/۹	۵۵/۶	۶۴/۹	۶۷/۱
متوسطه عمومی	۲۹	** ۴۳	** ۲۴/۴	۲۳/۶	۲۵/۳	۲۶/۷

در کل منطقه قدر مطلق تعداد دانش آموزان دوره متوسطه از ۹۵ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ به ۱۴۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۲ رسیده است.

تعداد دانش آموزان متوسطه در چهار کشور صنعتی شده دچار نوسان بوده و در کشورهای در حال توسعه منطقه هم (به غیر از چین) میزان ازدیاد دانش آموزان در دوره ۸۰ - ۱۹۷۵ پائین آمده است (جدول شماره ۴)

این امر بدون شک ناشی از کندی آهنگ رشد دانش آموزان ابتدایی در فاصله سالهای ۷۵ - ۱۹۷۰ بوده است در دوران ۸۲ - ۱۹۸۰ منحنی تغییرات میزان مزبور افزایش مختصری را نشان می دهد معیناً ملاحظه می شود که میزان رشد دانش آموزان دوره متوسطه نسبت به آموزش ابتدایی همچنان بالا مانده است.

(*) از سالهای مندرج در جدول فوق سالهای ۵۰ - ۴۹ (۷۰) و ۶۲ - ۶۱ (۸۳) به دلیل مقایسه داده های آماری با جدول یونسکو بقیه سالها به علت وجود آمارهای واقعی سرشماری و آموزشی انتخاب شده است.

(**) بنظر می رسد که کاهش نسبت اشتغال به تحصیل در سال ۶۲ - ۶۱ امر ظاهری و ناشی از بالا بودن نسبت مزبور در سال ماقبل جدول باشد، زیرا که در سال ماقبل جدول (۵۶ - ۵۵) تعداد دانش آموزان تحت تعلیم سپاه دانش با احتمال زیاد سرشماری در مجموع دانش آموزان منظور بوده است در حالیکه در سال ۶۲ - ۶۱ تعداد مذکور از نظام آموزشی کشور حذف شده و صرفاً دانش آموزان مدارس عادی ملاک محاسبه قرار گرفته است. با قبول این فرض برآورد می شود که نسبت مذکور بدون منظور نمودن دانش آموزان تحت تعلیم سپاهیان دانش در سال ۵۶ - ۵۵ حدود ۸۰ درصد و با منظور نمودن تعداد بیشتری از آنان (تعداد واقعی و بدون زیاد سرشماری) حدود ۸۵ درصد باشد. در مورد متوسطه هم بنظر می رسد که بالا بودن بیش از حد نسبت در سال ۵۰ - ۴۹ تغییر نظام آموزشی در سالهای بعد باشد. در هر حال بررسی ها نشان می دهد که نسبت (درصد) اشتغال به تحصیل ناخالص در فاصله سالهای مورد بررسی سیر صعودی داشته باشد.

چگونگی گسترش آموزش متوسطه (دوره دوم) در آسیا و کشورهای اقیانوس آرام از سال
جدول شماره ۴ ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۲ (۲۸ کشور)

میزان ناخالص اشتغال به تحصیل (به درصد %)				میزان رشد سالانه دانش‌آموزان (به درصد %)			شرح	کشورهای منطقه
دو جنس	دختر	پسر	دو جنس	۱۹۸۰ - ۸۲	۱۹۷۵ - ۸۰	۱۹۷۰ - ۷۵		
۱۳	۵	۲۰	۵	۱۴/۴	۷/۹	۱۲/۰	افغانستان	
۱۷	۷	۲۶	۱۴	۷/۵	-۰/۸	۸/۶	بنگلادش	
۲	۱	۳	۱	۱۸/۸	۵/۹	۱۷/۰	بوتان	
۲۳	۲۱	۲۵	۲۱	۵/۷	۲/۶	۳/۱	بیرمانی	
۴۱	۳۲	۴۹	۲۷	-۳/۷	۴/۶	۱۱/۴	چین	
۷۶	۷۹	۷۳	۵۳	-۰/۴	۲/۱	۷/۷	فیجی	
۳۱	۲۱	۴۱	۲۶	۴/۵	۴/۷	۶/۱	هند	
۳۲	۲۷	۳۸	۱۵	۹/۷	۹/۹	۷/۷	اندونزی	
۴۰	۳۳	۴۸	۳۱	-۱/۰	۴/۷	۸/۳	جمهوری اسلامی ایران*	
۵۱	۵۰	۵۲	۳۴	۲/۴	۵/۳	۸/۱	مالزی	
۸۶	۹۰	۸۲	۶۹	۲/۹	۵/۶	۷/۵	مغولستان	
۲۱	۹	۳۲	۱۰	۲۰/۲	۱۲/۷	۲/۹	نیپال	
۱۹	۸	۲۹	۱۳	۶/۵	۶/۷	۵/۸	پاکستان	
۱۳	۸	۱۷	۸	۳/۹	۳/۹	۱۱/۲	پاپوآزی گینه نو	
۶۵	۶۷	۶۲	۴۶	۳/۱	۵/۰	۵/۹	فیلیپین	
۸۶	۸۲	۹۱	۴۲	۲/۹	۶/۱	۱۰/۳	جمهوری کره	
۲۶	۲۱	۳۲	۴	۲۴/۶	۱۹/۹	۱۸/۷	جمهوری دموکراتیک خلق لائوس	
۶۹	۷۲	۶۶	۴۱	۱/۸	۴/۴	۹/۵	ساموآ	
۶۵	۶۵	۶۵	۴۶	۴/۶	-۱/۶	۴/۲	سنگاپور	
۵۲	۵۵	۵۰	۴۷	۱/۹	۲/۹	۳/۳	سریلانکا	
۳۰	۲۹	۳۱	۱۹	۵/۴	۳/۵	۱۱/۶	تایلند	
۹۶	۹۴	۹۷	۷۰	۲/۲	۶/۲	۲/۲	تونگا	
۴۳	۲۸	۵۷	۲۶	۵/۱	۶/۵	۵/۹	ترکیه	
۵۲	۴۸	۵۶	۴۰	۶/۲	۶/۰	-	ویتنام	
۸۸	۸۹	۸۶	۸۲	۲/۰	-	۲/۹	استرالیا	
۹۲	۹۳	۹۲	۸۶	۱/۶	۱/۶	-۰/۳	ژاپن	
۸۱	۸۲	۸۰	۷۷	-۰/۴	-۰/۱	۳/۱	زلاندنو	
۹۶	-	-	۸۶	-۲/۰	-۲/۶	۲/۲	روسیه شوروی	

کشورهای در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته

۱ - ارقام مندرج در ستون ۱۹۷۰ مربوط به سال ۱۹۷۵ می‌باشد.

مأخذ: اداره آمار بونسکو

(*) به زیرنوس صفحه ۱۵۳ توجه شود.

همچنان که ارقام مندرج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد اختلاف بین میزان اشتغال به تحصیل پسران و دختران در آموزش متوسطه در برخی از کشورها شدت یافته است. ارقام برای کل منطقه حاکی از آنست که نسبت دختران به کل دانش‌آموزان متوسطه خیلی آهسته بالا رفته است به طوری که از ۳۶ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۳۸/۵ درصد در سال ۱۹۸۱ رسیده است. گرایش مهمی که در حال حاضر در کشورهای در حال توسعه منطقه به چشم می‌خورد رسوخ آموزش متوسطه به نقاط روستایی و افزایش تعداد دانش‌آموزان در آن نقاط می‌باشد.*

در پیش‌بینی‌های مربوط به دوره ۸۰-۱۹۶۵ مدل‌های توسعه آموزش و پرورش برای آسیا پیش‌بینی می‌نمود که در پایان این دوره در کشورهای در حال توسعه ۳۰ درصد از شاگردان ثبت نام کرده در آموزش متوسطه، آموزش فنی و حرفه‌ای را دنبال کنند^۸. وضعیت موجود (جدول شماره ۵ را نگاه کنید) نشان می‌دهند که کشورهای مزبور از این هدف بسیار دور مانده‌اند. بطوریکه: میزان اشتغال به تحصیل در آموزش فنی و حرفه‌ای در ۹ کشور در حال توسعه به ۳ درصد تنزل یافته و در ۸ کشور دیگر بین ۳ و ۱۰ درصد بوده و فقط در ۳ کشور به ۲۰ درصد نزدیک شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* برای آگاهی بیشتر در مورد آموزش متوسطه کشورمان، به مقاله «آموزش و پرورش متوسطه در ایران» نوشته آقای احمد صافی معاون سابق امور آموزشی وزارت آموزش و پرورش در فصل نامه تعلیم و تربیت سال دوم شماره‌های ۱ و ۷ و ۸، ۱۳۶۵ و در مورد نیروی انسانی آموزش متوسطه نیز به نشریه شماره ۲۰۷ تحت عنوان «ارزشیابی نیروی انسانی آموزش متوسطه کشور در سال ۶۳-۱۳۶۲» دفتر هماهنگی طرحها و برنامه‌ریزیهای توسعه مراجعه نمایند.

توزیع برحسب نوع آموزش (به درصد) در سال ۱۹۷۰ و آخرین آمار موجود (۲۷ کشور)
جدول شماره ۵

آخرین داده‌های موجود (به درصد)			۱۹۷۰ (به درصد)			شرح	کشورهای منطقه
حرفه‌ای	فنی	متوسطه عمومی	سال	حرفه‌ای	فنی		
۹/۱	—	۹۰/۹	۱۹۸۱	۴/۳	۳/۱	۹۲/۶	افغانستان
۱۴/۳	۰/۳	۸۵/۴	۱۹۸۱	۰/۱	۰/۳	۹۹/۶	بنگلادش ^۱
۳۹/۴	۱/۹	۵۸/۷	۱۹۸۳	۳۸/۰	۷/۰	۵۵/۰	بوتان
*۱/۴	*۰/۶	*۹۸/۰	۱۹۷۹	۰/۸	۰/۶	۹۸/۶	بیرمانی
۲/۸	۰/۹	۹۶/۳	۱۹۸۲	*۰/۱	*۰/۱	۹۹/۸	چین
۱۸/۱	—	۸۱/۹	۱۹۸۳	۱۴/۳	—	۸۵/۷	جمهوری کره
۴/۷	۰/۸	۹۴/۳	۱۹۸۱	۵/۶	۱/۸	۹۲/۶	فیجی
۱/۵	۰/۱	*۹۸/۴	۱۹۷۷	۱/۰	۰/۱	۹۸/۹	هند
۹/۷	۳/۷	۸۶/۶	۱۹۸۱	۲۲/۲	۴/۰	۷۳/۸	اندونزی
۴/۷	—	۹۵/۳	۱۹۸۲	۲/۹	۱/۳	۹۵/۸	جمهوری اسلامی ایران (۸)
۱/۴	—	۹۸/۶	۱۹۸۳	*۲/۹	*۰/۶	*۹۶/۵	مالزی
۷/۲	۰/۹	۹۱/۹	۱۹۸۲	۱۱/۰	۱/۷	۸۷/۳	مغولستان
۶/۸	۰/۹	۹۲/۳	۱۹۷۷	۲/۳	۰/۵	۹۷/۲	نیپال ^۲
۱/۷	۰/۳	۹۸/۲	۱۹۸۱	۱/۵	۰/۹	۹۷/۶	پاکستان
۱۶/۲	۳/۳	۸۰/۵	۱۹۸۱	۱۹/۳	۷/۷	۷۳/۰	پاپوآزی گینه نو
۲/۲	۱۰/۵	۸۷/۳	۱۹۸۰	۱۳/۹	۲۱/۲	۶۴/۹	جمهوری دموکراتیک خلق لائوس
۲/۷	۱/۴	۹۵/۹	۱۹۸۲	۱/۲	۳/۰	۹۵/۸	ساموآ
۵/۵	—	۹۴/۵	۱۹۸۲	۸/۳	—	۹۱/۷	سنگاپور
۲۰/۹	۰/۱	۷۹/۰	۱۹۷۶	۰/۴	۰/۷	۹۸/۹	سريلانكا
۳/۶	۰/۷	۹۵/۷	۱۹۸۱	۲۲/۳	۴/۱	۷۳/۶	تایلند
۲۶/۹	۰/۷	۷۷/۴	۱۹۸۲	—	۱/۰	۹۹/۰	تونگا
۲/۱	۰/۸	۹۷/۱	۱۹۸۲	۱۳/۷	۵/۰	۸۱/۳	ترکیه
—	—	—	۱۹۷۶	—	—	—	ویتنام
—	—	۱۰۰/۰	۱۹۸۲	۱۵/۹	—	۸۴/۱	استرالیا (۳)
۱۴/۸	—	۸۵/۲	۱۹۸۱	۱۸/۸	—	۸۱/۲	ژاپن
۰/۷	—	۹۹/۳	۱۹۸۲	۰/۷	—	۹۹/۳	زلاندنو (۴)
۱۳/۶	۰/۹	۸۵/۵	۱۹۸۲	۶/۵	۰/۶	۹۲/۹	روسیه شوروی

کشورهای در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته

مأخذ: اداره آمارهای یونسکو

(۱): ارقام داده شده برای سال ۱۹۷۰ مربوط به سال ۱۹۷۳ می‌باشد.

(۲): ارقام سال ۱۹۷۰ مربوط به سال ۱۹۷۲ می‌باشد.

(۳): آموزش حرفه و فنی که سابقاً آموزش متوسطه (دوره دوم) بود امروزه جزو سومین دوره آموزش محسوب میشود.

(*) ارقام برآوردی یا تخمینی است.

در مورد توزیع دانش‌آموزان متوسطه، به متوسط عمومی و فنی و حرفه‌ای لازم است بدواً به این نکته اشاره کنیم که در بررسی‌های یونسکو همانطور که جدول شماره ۵ آن نشان می‌دهد آموزش متوسطه فنی از آموزش متوسطه حرفه‌ای تفکیک شده است در حالیکه در جدولی که ذیلاً جهت نشان دادن سیر تحول هر یک از انواع آموزش متوسطه (عمومی یا فنی و حرفه‌ای) تهیه شده است متوسطه فنی و حرفه‌ای را روی هم منظور نموده و سهم آنرا (به درصد) در کل آموزش متوسطه تعیین نموده‌ایم.

ثانیاً همانطور که جدول زیر نشان می‌دهد در جریان ۱۵ سال اخیر آموزش فنی و حرفه‌ای کشور ما از لحاظ تحول تعداد هنرجویان تا سال ۱۳۵۷ سیر صعودی داشته و از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ سیر نزولی را پیموده و مجدداً از سال ۱۳۶۲ به بعد سیر صعودی را آغاز نموده است.

توزیع (به درصد) دانش‌آموزان متوسطه به عمومی و فنی و حرفه‌ای و سیر تحول آن در ۱۵ سال اخیر در کل کشور

متوسطه فنی و حرفه‌ای	متوسطه عمومی	آموزش سال تحصیلی
۴/۰	۹۶/۰	۱۳۵۰ - (۷۲ - ۱۹۷۱)
۵/۷	۹۴/۳	۱۳۵۱ - (۷۳ - ۱۹۷۲)
۸/۵	۹۱/۵	۱۳۵۲ - (۷۴ - ۱۹۷۳)
۱۶/۴	۸۳/۶	۱۳۵۳ - (۷۵ - ۱۹۷۴)
۱۷/۶	۸۲/۴	۱۳۵۴ - (۷۶ - ۱۹۷۵)
۲۱/۴	۷۸/۶	۱۳۵۵ - (۷۷ - ۱۹۷۶)
۲۳/۵	۷۶/۵	۱۳۵۶ - (۷۸ - ۱۹۷۷)
۲۳/۶	۷۶/۴	۱۳۵۷ - (۷۹ - ۱۹۷۸)
۲۱/۸	۷۸/۲	۱۳۵۸ - (۸۰ - ۱۹۷۹)
۱۷/۷	۸۲/۳	۱۳۵۹ - (۸۱ - ۱۹۸۰)
۱۴/۶	۸۵/۴	۱۳۶۰ - (۸۲ - ۱۹۸۱)
۱۳/۰	۸۷/۰	۱۳۶۱ - (۸۳ - ۱۹۸۲)
۱۴/۶	۸۵/۴	۱۳۶۲ - (۸۴ - ۱۹۸۳)
۱۶/۶	۸۳/۴	۱۳۶۳ - (۸۵ - ۱۹۸۴)
۱۶/۴	۸۳/۶	۱۳۶۴ - (۸۶ - ۱۹۸۵)
۱۵/۷	۸۴/۳	۱۳۶۵ - (۸۷ - ۱۹۸۶)

از زمره سایر گرایشهای مشهود در منطقه می‌توان روند کاهش ثبت نام کنندگان در مؤسسه‌های تربیتی در دوره متوسطه و توجه به اعضاء جدیدی از آموزگاران دارای هنر و مهارت از یکطرف و مشاغل، نقش‌ها و شرایط متحول کار و تنوع وظایف معلمان ضرورت افزایش مواد جدیدی به برنامه‌ها و رعایت اصول جدیدی در تخمین نیازها بمنظور طرح بهبود کیفی تعلیم و تربیت از طرف دیگر یاد نمود.

دانش‌آموز به معلم:

در مجموع منطقه نسبت دانش‌آموز به معلم در دوره ابتدائی در فاصله سالهای ۸۰-۱۹۷۰ کمی افزایش یافته است جدول شماره (۶) حال آنکه نسبت مزبور در دوره متوسطه کاهش یافته است که مبین انتقال عده‌ای از معلمان از دوره ابتدائی به سایر دوره‌ها می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نسبت دانش آموز به معلم در دوره های ابتدائی و متوسطه در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ و ۱۹۸۰
جدول شماره ۶ (۲۷ کشور)

۱۹۸۰		۱۹۷۵		۱۹۷۰		سال و دوره تحصیلی	نام کشورها
متوسطه	ابتدائی	متوسطه	ابتدائی	متوسطه	ابتدائی		
۱۸	۳۲	*۱۷	*۳۷	۲۳	۴۱		افغانستان
۲۱	۴۴	*۴۴	*۵۶	*۲۵	۴۲		بنگلادش
*۱۳	*۳۷	*۲۸	*۲۶	*۱۶	۲۲		بوتان
۳۰/۱	۵۴/۱	۳۷	۵۲	۳۲	۴۷		بیرمانی
۱۸	۲۷	۲۱	۲۹	۲۲	۳۳		چین
۲۶	۲۴	*۲۱	۲۵	۲۴	۲۶		فیجی
*۲۰	*۴۳	*۲۰	۴۲	۲۱	۴۱		هند
۱۵	۳۲	*۱۵	۲۹	۱۳	۲۹		اندونزی
۱۹	۲۰/۲	۲۷	۲۹	۳۴	۳۲		جمهوری اسلامی ایران
۲۵	*۳۲	*۲۷	۳۲	۲۶	۳۱		مالزی
*۲۳	*۳۲	*۲۴	*۳۱	* ۲۰	۳۰		مغولستان
۳۱	۳۸	۲۸	۲۹	*۲۱	۲۲		نیپال
*۱۶	*۴۸	۱۸	۴۰	۱۹	۴۱		پاکستان
۲۲	*۳۱	۲۰	۳۲	*۱۹	۳۰		پاپوآزی گینه نو
۳۴	*۳۱	۳۱	۲۹	۳۳	۲۹		فیلیپین
۳۸	۴۸	۳۷	۵۲	۳۷	۵۷		جمهوری کره
۲۰	۳۰	*۲۱	۲۷	۱۷	۳۶		جمهوری دموکراتیک لائوس
*۲۲	*۳۳	*۲۲	*۲۷	۲۲	۲۸		ساموآ
۱۹	۳۱	۲۳	۳۰	۲۰	۳۰		سنگاپور
*۲۱	*۳۲	*۲۱	*۳۰	*۲۵	۳۰		سرلانکا
*۱۹	*۳۳	*۲۱	۲۸	*۱۶	۳۵		تایلند
*۲۱	*۳۴	*۲۱	۲۸	۲۴	۲۷		تونگا
*۲۲	۲۷	*۲۲	۳۲	۲۸	۳۸		ترکیه
*۲۵	۳۹	۲۶	۳۶	—	—		ویتنام
۱۳	*۲۱	۱۵	*۲۲	*۱۷	*۲۸		استرالیا
*۱۸	*۲۵	۱۷	۲۶	۱۸	۲۶		ژاپن
*۲۱	۲۰	*۲۲	*۲۳	*۲۵	۲۴		زلاندنو

کشورهای در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته

مأخذ: اداره آمارهای یونسکو

(۱): ارقام مربوط به سال ۱۹۷۷ می باشد.

(۲): ارقام مربوط به سال ۱۹۸۲ می باشد.

(*): ارقام برآوردی یا تخمینی می باشد.

همانطور که قبلاً اشاره شد در تعیین و محاسبه نسبت‌ها سازمان یونسکو بر اساس دریافت آمار از کشورها اقدام به بررسی می‌کند و در بررسی‌های خود معمولاً از همهٔ نرم‌ها و ضوابط مورد استفاده ممالک آگاهی کاملی ندارد.

مثلاً در نسبت دانش‌آموز به معلم می‌بایست صرفاً کسانی که تدریس و اداره کلاسها را بعهده دارند در مقابل دانش‌آموزان کلاسها قرار گیرند و نه کل کارمندان. از این رو ضمن جلب توجه بدین نکته ذیلاً نسبت دانش‌آموز به معلم در دوره‌های مختلف تحصیلی را بر اساس مفهوم یاد شده بالا و به معنای صحیح آن در سالهای مورد مقایسه سازمان به اضافه آخرین سال دربرگیرنده آمار موجود محاسبه و بررسی نموده و به شرح جدول ذیل ارائه می‌نمائیم.

نسبت دانش‌آموز به معلم و کارمند در دوره‌های ابتدائی، راهنمایی تحصیلی، متوسطهٔ عمومی کل کشور در سالهای مختلف

متوسطه		راهنمایی		ابتدائی		دوره تحصیلی و نسبت سال تحصیلی
دانش‌آموز به کارمند	دانش‌آموز به معلم	دانش‌آموز به کارمند	دانش‌آموز به معلم	دانش‌آموز به کارمند	دانش‌آموز به معلم	
۳۴	۴۳	—	—	۳۳	۳۷	۱۳۴۹ - ۵۰ (۱۹۷۰)
۳۳	۴۲	۲۶	۳۳	۳۱	۳۵	۱۳۵۲ - ۵۵ (۱۹۷۵)
۲۳	۳۱	۱۸	۲۴	۲۲	۲۷	۱۳۵۹ - ۶۰ (۱۹۸۰)
۱۶	۲۱	۱۷	۲۲	۲۲	۲۷	۱۳۶۴ - ۶۵ (۱۹۸۵)
۱۷	۲۲	۱۷	۲۳	۲۳	۲۹	۱۳۶۵ - ۶۶ (۱۹۸۶)

مأخذ: استخراج و محاسبه شده از ارقام مندرج در سالنامه‌های آمار وزارت آموزش و پرورش - دفتر هماهنگی طرحها و برنامه‌ریزیهای توسعه - واحد آمار

۴ - ۲ آموزش عالی (دوره سوم)

از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۲ - آموزش عالی در منطقه با آهنگ رشدی معادل ۴/۶ درصد در سال گسترش داشته است. در اثر رشد مزبور کلاً تعداد ۵/۵ میلیون نفر دانشجو به تعداد دانشجویان افزوده

شده است.

در جریان ۱۰ سال اخیر در برخی از کشورها مانند فیلیپین، جمهوری کره و تایلند تقریباً یک حرکت یا جهشی در آموزش عالی مشاهده گردیده است. اطلاعات موجود و بررسی‌ها نشان می‌دهد که تغییرات ساخت و تشکیلات آموزش عالی تحت تاثیر شرایط اقتصادی بوده و در اغلب کشورهای در حال توسعه منطقه گسترش در رشته‌هایی از آموزش عالی محسوس و مشهود می‌باشد که منجر به اخذ دیپلم یا گواهی‌نامه‌ای بشود. در توزیع دانشجویان به رشته‌های مختلف تحصیلی چه در کشورهای صنعتی و چه در کشورهای در حال توسعه به وضوح افزایشی در تعداد و گرایش به رشته‌های فنی (علوم مهندسی، پزشکی) ملاحظه می‌گردد. با اینهمه با وجود توجه و اولویت دادن به رشته‌های فوق الذکر، به دلیل بالا بودن هزینه‌های آن، تعداد فضاهای آموزشی که به رشته‌های فنی اختصاص می‌یابد محدود می‌باشد، در حالی که در برابر آن تعداد دانشجویان ادبیات، علوم انسانی و علوم اجتماعی همچنان در حال افزایش است.

جدول شماره ۷ توزیع دانشجویان به رشته‌های مختلف تحصیلی را در مجموع منطقه نشان

می‌دهد:

جدول ۷ توزیع دانشجویان آموزش عالی برحسب رشته تحصیلی (به هزار نفر) *

شاخص ۱۹۸۰ (۱۹۷۰ = ۱۰۰)	۱۹۸۰		۱۹۷۰		رشته‌های تحصیلی شرح
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۸۰	۱۰۰٪	۱۱۹۱۸	۱۰۰٪	۶۶۳۳	مجموع رشته‌ها
۱۸۱	۷/۷	۹۲۳	۷/۷	۵۱۱	علوم تربیتی
۱۸۳	۵۷/۴	۶۸۳۷	۵۶/۴	۳۷۴۰	علوم انسانی و علوم اجتماعی
۱۶۷	۲۵/۲	۳۰۰۵	۲۷/۱	۱۷۹۴	علوم ریاضی و طبیعی و مهندسی
۲۰۰	۵/۰	۵۹۶	۴/۵	۲۹۷	علوم پزشکی
۱۶۲	۲/۳	۲۷۶	۲/۶	۱۷۰	علوم کشاورزی
۲۳۳	۲/۴	۲۸۱	۱/۸	۱۲۰	سایر رشته‌ها

(*): غیر از کشورهای چین، فیجی، مغولستان و ویتنام

مأخذ: اداره آمارهای یونسکو.

۳ - منابع تخصیص یافته به آموزش و پرورش

افزایش تعداد دانش‌آموزان در آسیا و اقیانوس آرام با ازدیاد کادر آموزشی مواجه بوده است.

میزان رشد کادر آموزشی از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ بدین ترتیب بوده است.

آموزش ابتدایی ۱/۸ درصد، آموزش متوسطه ۴/۴ درصد، آموزش عالی ۴/۸ درصد و میانگین

کل ۲/۹ درصد (جدول شماره ۸). از لحاظ قدر مطلق تعداد افزایش کادر آموزشی وضع بدین گونه بوده که از تعداد ۱۸/۶ میلیون نفر در سال ۱۹۷۵ به تعداد ۲۲/۲ میلیون نفر در سال ۱۹۸۲ رسیده است یعنی با افزایشی معادل ۱/۷ میلیون نفر در ابتدائی و ۱/۶ میلیون نفر در متوسطه و ۰/۴ میلیون نفر آموزش عالی مواجه بوده است.

تعداد کادر آموزشی برحسب دوره‌های تحصیلی در آسیا و کشورهای اقیانوس آرام
جدول شماره ۸
از سال ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۲

میزان رشد متوسط سالانه (به درصد)			تعداد کادر آموزشی (برحسب هزار نفر)				دوره‌های شرح تحصیلی
۸۰ - ۸۲	۷۵ - ۸۰	۸۰ - ۷۵	۱۹۸۲	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	
۱/۸	۲/۹	۵/۵	۲۲۲۰۵	۲۱۴۳۵	۱۸۵۶۵	۱۴۲۱۹	کلیه دوره‌ها
۳/۰	۱/۸	۵/۱	۱۲۴۹۸	۱۱۷۹۴	۱۰۸۱۲	۸۴۴۰	دوره ابتدائی
- ۰/۳	۴/۴	۶/۲	۸۲۰۸	۸۲۵۵	۶۶۵۵	۴۹۳۰	دوره متوسطه
۴/۰	۴/۸	۵/۳	۱۴۹۸	۱۳۸۵	۱۰۹۸	۸۴۹	دوره عالی

مأخذ: اداره آمارهای یونسکو



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

میزان رشد متوسط سالانه نیروی انسانی ایران در طی ۲ جدول جداگانه ذیل برحسب کادر آموزشی (معلم) شامل معلم و مدیر و معلم در استخدام رسمی می‌شود که مستقیماً اداره کلاس‌ها را بعهده دارند و نیز برحسب تعداد کارمند شامل مجموع کارمندان در استخدام رسمی دوره‌های مختلف تحصیلی در فاصله سالهای ۵۱- ۱۳۵۰ (۱۹۷۰) که اولین سال وجود آمارهای مربوط به دوره راهنمایی تحصیلی در نظام آموزشی کشور و آخرین آمار موجود (۶۶- ۱۳۶۵) می‌گردد بشرح زیر محاسبه و ارائه می‌شود تا با معلوم بودن میزان رشد متوسط سالانه کل کشور امر مقایسه و نتیجه‌گیری برای پژوهندگان و علاقمندان تسهیل گردد.

تعداد و میزان رشد متوسط سالانه کادر آموزشی (معلم) در استخدام رسمی برحسب دوره‌های تحصیلی کل کشور از سال ۵۱- ۱۳۵۰ الی ۶۶- ۱۳۶۵

الف

سال دوره‌های تحصیلی	میزان رشد متوسط سالانه (به درصد)			تعداد کادر آموزشی (معلم)		
	۵۱- ۱۳۵۰	۵۶- ۱۳۵۵	۶۱- ۱۳۶۰	۶۶- ۱۳۶۵	۵۵- ۵۰	۶۰- ۵۵
(۱۹۷۱)	(۱۹۷۶)	(۱۹۸۱)	(۱۹۸۴)	۷۶- ۷۸	۸۱- ۷۶	۸۶- ۸۱
کلید دوره‌ها	۱۰۷۷۵۶	۱۹۴۹۱۲	۳۱۸۶۷۸	۳۷۷۶۵۳	۱۲/۶	۱۰/۴
ابتدائی	۷۲۵۲۲	۱۱۷۶۶۹	۱۹۲۶۴۹	۲۱۷۶۶۵	۱۰/۲	۱۰/۴
راهنمایی تحصیلی	۸۶۶۰	۴۴۳۶۱	۷۰۰۰۷	۹۲۸۰۳	* ۸۲/۵	۹/۶
متوسطه عمومی	۲۴۳۳۸	* ۱۸۳۱۰	۳۳۲۶۵	۴۲۷۴۹	* - ۵	۱۲/۶

تعداد و میزان رشد متوسط سالانه کارمندان در استخدام رسمی دوره‌های تحصیلی کل کشور از سال ۵۱- ۱۳۵۰ الی ۶۶- ۱۳۶۵

ب

سال دوره‌های تحصیلی	میزان رشد متوسط سالانه (به درصد)			تعداد کارمند		
	۵۱- ۱۳۵۰	۵۶- ۱۳۵۵	۶۱- ۱۳۶۰	۶۶- ۱۳۶۵	۵۵- ۵۰	۶۰- ۵۵
(۱۹۷۱)	(۱۹۷۶)	(۱۹۸۱)	(۱۹۸۴)	۷۶- ۷۸	۸۱- ۷۶	۸۶- ۸۱
کلید دوره‌ها	۱۳۹۸۸۳	۲۶۳۶۴۵	۴۱۳۵۹۳	۵۱۳۷۵۶	۱۳/۵	۹/۴
ابتدائی	۸۳۰۲۸	۱۳۸۳۵۹	۲۳۱۸۵۴	۲۷۲۷۱۸	۱۰/۸	۱۰/۸
راهنمایی تحصیلی	۱۰۶۴۵	۵۸۱۲۴	۹۲۱۷۲	۱۲۵۵۸۹	* ۸۹/۸	۹/۶
متوسطه عمومی	۲۹۵۶۹	۲۳۹۶۵	۴۴۳۰۶	۵۷۲۴۱	* - ۴	۱۳/۵

(*): علت بالا بودن تعداد و درصد ارقام در راهنمایی و یائین بودن آن در متوسطه عمومی در هر دو جدول تغییر نظام آموزشی در آن سال بوده است.

هزینه‌های عمومی تعلیم و تربیت معمولاً از محل منابع مالی مربوط به ثبت نام بخش خصوصی والدین، مالیات‌های دریافتی از انجمن‌های محلی و سایر موارد، اختصاصی تأمین می‌شود. بررسی‌ها حاکی از آنست که متوسط سالانه هزینه‌های عمومی تعلیم و تربیت به قیمت‌های جاری در نیمه دوم آخرین دهه در کل جهان ۱۳ درصد و در کشورهای در حال توسعه جهان به میزان ۱۶/۵ درصد افزایش یافته است.

در حالیکه چهار کشور صنعتی منطقه (استرالیا، زلاندنو و روسیه شوروی) بیش از ۵ درصد از تولید ناخالص ملی (P.N.B) خود را به آموزش و پرورش اختصاص داده‌اند. سهم کشورهای در حال توسعه از تولید ناخالص ملی (P.N.B) در دو مورد بیش از ۵۰ درصد و در شش مورد از ۳ تا ۵ درصد و در هفت مورد کمتر از ۳ درصد بوده است.

میزان اعتبارات تخصیصی معمولاً نسبت به تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش و نیز طول دوره تحصیلی فرق می‌کند (جدول شماره ۹). ضمناً در اغلب کشورهای در حال توسعه بخش مهمی از هزینه‌های جاری مربوط به آموزش و پرورش را حقوق معلمان تشکیل می‌دهد (۸۵ تا ۹۵ درصد). بدیهی است در چنین صورتی رقم قابل ملاحظه و مهمی برای سایر فعالیت‌ها از قبیل خرج نگهداری ساختمان‌ها، هزینه‌های متفرقه و دستی که در کمک به دوره‌های تحصیلی موثر باشد باقی نمی‌ماند. بطور کلی چون میزان اعتبارات تخصیصی و منابع پولی عامل مهمی در تأمین و سازماندهی نیروی انسانی و تهیه مواد آموزشی، توسعه، تعمیم و اصلاح آموزشی به شمار می‌رود، از اینرو علاوه بر تأمین منابع لازم می‌بایست به طرق دیگر از قبیل ایجاد مکانیسم مطلوب در کاهش تعداد ترک تحصیل کنندگان و مردودین مشغول به تحصیل به افزایش منابع موجود کمک نمود. بعلاوه در تأمین منابع مالی برای آموزش و پرورش غیر از بودجه دولتی می‌توان از همیاری و کمک‌های جوامع محلی نیز استفاده کرد. ضمناً باید دانست که کمک‌های مردمی و جوامع محلی منحصر به تهیه منابع پولی نیست، بلکه می‌توان از طریق این نوع کمک‌ها در تعدادی از کشورهای در حال توسعه در گسترش سرویس‌های تربیتی به ویژه در تعمیم آموزش ابتدائی هم سود جست.

توزیع هزینه‌های سومی عملکردی برحسب دوره‌های تحصیلی (به درصد) در ۲۳ کشور

جدول شماره ۹

سال	قبل از دبستان %	ابتدائی %	متوسطه %	عالی %	سایر %	توزیع هزینه‌های نشده %	کل %	نام کشورهای منطقه	
								دوره‌های تحصیلی	نام کشورهای منطقه
۱۹۷۴	—	۳۸/۴	۲۴/۰	۱۷/۷	—	۹/۹	۱۰۰	افغانستان	
۱۹۸۲	۱/۷	۴۳/۲	۲۲/۰	۱۹/۳	۴/۸	۹/۰	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	۵۷/۰	۱۶/۵	۱۳/۴	۹/۱	—	۱۰۰	بنگلادش	
۱۹۸۱	—	۴۴/۲	۲۹/۴	۲۳/۴	—	۲/۹	۱۰۰		
۱۹۷۸	۱/۵	۲۲/۵	۵۵/۹	۹/۲	—	۱۰/۹	۱۰۰	بوتان	
۱۹۷۵	—	—	۸۷/۷	۱۰/۷	—	۱/۵	۱۰۰	بیرمانی	
۱۹۷۷	—	—	۸۷/۱	۱۰/۶	—	۲/۳	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	۴۳/۰	۴۱/۶	۶/۷	—	۸/۸	۱۰۰	فیجی	
۱۹۸۱	—	۵۳/۰	۳۵/۱	۱/۹	—	—	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	۴۰/۰	۲۶/۶	۱۲/۱	۲/۰	۱۹/۳	۱۰۰	هند	
۱۹۸۰	—	۳۶/۹	۲۶/۲	۱۳/۵	۳/۰	۲۲/۴	۱۰۰		
۱۹۷۴	—	۳۱/۳	۲۶/۸	۱۷/۷	۱/۴	۲۲/۳	۱۰۰	جمهوری اسلامی	
۱۹۸۱	۱/۶	۴۰/۶	۳۶/۸	۹/۸	۲/۱	۱۲/۱	۱۰۰		
۱۹۸۲	—	۳۳/۶	۳۶/۱	۴/۱	—	۱۸/۱	۱۰۰	مالزی	
۱۹۷۵	—	—	۳۸/۸	۴/۷	۱/۵	۹/۰	۱۰۰	نیپال	
۱۹۸۲	—	—	۳۸/۶	۴/۲	۳/۱	۴/۱	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	۴/۱	۳۰/۳	۱۷/۲	—	۱۱/۵	۱۰۰	پاکستان	
۱۹۸۱	—	۳۸/۹	۳۰/۶	۱۹/۷	—	۸/۸	۱۰۰		
۱۹۷۶	—	۳۳/۱	۲۳/۸	۳۵/۷	—	۶/۶	۱۰۰	پاپوآزی گینه نو	
۱۹۷۱	—	۶۵/۷	۶/۷	۲۲/۴	—	۵/۳	۱۰۰	فیلیپین	
۱۹۸۲	—	۶۱/۰	۱۲/۱	۲۲/۱	—	۴/۸	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	۶۲/۴	۲۵/۵	۱۱/۲	—	—	۱۰۰	جمهوری کره	
۱۹۸۱	—	۶۱/۶	۱۷/۳	۱۰/۳	۱۰/۷	—	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	۶۵/۲	۱۸/۸	—	۳/۴	۱۲/۶	۱۰۰	ساموآ	
۱۹۷۸	—	۶۰/۶	۲۴/۶	—	۱/۶	۱۳/۲	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	۳۸/۱	۳۴/۳	۱۷/۶	۶/۳	۳/۷	۱۰۰	سنگاپور	
۱۹۸۲	—	۳۴/۳	۳۴/۳	۲۶/۴	۱/۷	۳/۲	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	—	۸۴/۵	۶/۵	—	۹/۰	۱۰۰	سرلانکا	
۱۹۷۸	—	—	۸۶/۱	۸/۷	—	۵/۱	۱۰۰		
۱۹۷۵	—	۶۲/۵	۱۶/۲	۱۱/۱	۱/۹	۷/۷	۱۰۰	تایلند	
۱۹۸۱	—	۵۵/۱	۳۰/۶	۱۱/۰	۱/۸	۱/۳	۱۰۰		
۱۹۷۷	—	۴۶/۶	۳۰/۲	۵/۳	—	۴/۹	۱۰۰	تونگا	
۱۹۸۱	—	۵۸/۳	۲۲/۸	۱۲/۱	—	۶/۸	۱۰۰		
۱۹۷۷	—	۴۶/۲	۳۶/۵	۱۶/۵	۲/۷	—	۱۰۰	ترکیه	
۱۹۸۲	—	۳۶/۰	۳۰/۳	۲۵/۸	۴/۶	۳/۲	۱۰۰		
۱۹۷۷	۱/۵	—	۶۴/۱	۲۶/۶	—	۵/۲	۱۰۰	استرالیا	
۱۹۸۱	۱/۷	—	۶۷/۹	۲۱/۶	—	۵/۷	۱۰۰		
۱۹۷۵	۱/۳	۳۹/۱	۳۷/۲	۱۰/۲	۵/۳	۶/۹	۱۰۰	ژاپن	
۱۹۸۱	۱/۳	۳۷/۹	۳۴/۶	۱۱/۰	۸/۲	—	۱۰۰		
۱۹۷۵	۱/۴	۳۵/۶	۲۹/۷	۲۳/۴	۲/۰	۷/۹	۱۰۰	زلاندنو	
۱۹۸۱	۱/۵	۳۶/۵	۳۱/۴	۲۳/۱	۵/۰	۲/۵	۱۰۰		
۱۹۷۵	۲۱/۴	۳۸/۲	۱۶/۲	۱۳/۲	۱۱/۰	—	۱۰۰	روسیه شوروی	
۱۹۸۲	۲۴/۲	۳۳/۷	۱۶/۰	۱۳/۵	۱۲/۶	—	۱۰۰		

کشورهای در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته

مأخذ: اداره آمارهای یونسکو.

- در این نسبت‌ها هزینه مشترکاً به آموزشهای متوسطه و عالی مربوط شده و در سال ۱۹۸۱ نیز هزینه فقط شامل وزارت آموزش و پرورش می‌شود.
- ارقام مربوط به هزینه‌های «معمولی» و «توسعه» می‌باشند.
- در سال ۱۹۷۵ کمک‌های دولت به آموزش بخش خصوصی دوره متوسطه شامل هزینه‌های مربوط به ابتدائی هم می‌شود.
- هزینه‌های مربوط به آموزش قبل از دبستان شامل هزینه‌های دارالترتیبه اطفال کمتر از دو سال روزانه (مهد کودک) می‌شود. آموزش عمومی دوره دوم (متوسطه) شامل دوره ابتدائی هم می‌شود. کل دوره دوم (متوسطه) آموزش فنی و حرفه‌ای را در برنمی‌گیرد.

۴ - اقدامات عمده‌ای که باید در آینده اجراء کرد:

نگاهی اجمالی و سریع به گرایش‌های فعلی توسعه آموزشی و پرورش در آسیا و اقیانوس آرام نشان می‌دهد که باید سه عمل مهم و اساسی را در آینده به مرحله اجراء درآورد:

اولاً: باید به کلیه اطفال و جوانان در سن تحصیل امکان برخورداری از آموزش و پرورش را فراهم آورد، بطوریکه همه آنها واجد توانائی‌های لازم به برخورداری از یک آموزش واقعی باشند.

ثانیاً: به هر وسیله ممکن باید به از بین بردن بیسوادی بزرگسالان کمک نمود و تحدید و تقلیل و ریشه کن کردن بیسوادی در منطقه را یک امر اجباری و الزامی دانست.

ثالثاً: یکی دیگر از عمده‌ترین کارها که مشروط و مقید به تحقق دو اقدام فوق‌الذکر می‌باشد این است که برای دختران جوان و زنان به اندازه پسران و مردان شانس و فرصت داده شود تا از موهبت سواد و آموزش و پرورش بهره‌مند گردند.

۱ - ۴ اطفال و جوانان خارج از مدرسه:

امروزه بیش از ۳۵۰ میلیون نفر از اطفال و جوانان واقع در سن ۶ تا ۲۳ ساله در کشورهای آسیا و اقیانوس آرام که تقریباً ۶۰ درصد از کل جمعیت گروه سنی مذکور را تشکیل می‌دهد خارج از سیستم آموزش رسمی می‌باشند، در بررسی‌های مربوط به این موضوع ملاحظه می‌شود که تعداد اطفال و جوانان خارج از پوشش آموزشی از لحاظ قدر مطلق در طول ۲۰ سال گذشته بین از ۱۰۰ میلیون نفر افزایش یافته است.

جمعیت خارج از پوشش آموزشی شامل چند گروه یا موارد مختلف می‌باشد.

در مرتبه اول باید از گروه اطفال و جوانانی که برحسب قوانین مملکتی می‌بایست تحت پوشش آموزشی باشند، لکن عملاً خارج از مدرسه هستند نام برد. در اغلب کشورهای در حال توسعه منطقه سن این گروه از اطفال و جوانان با سن تحصیل در مدارس ابتدائی تطبیق می‌کند (۱۱ - ۶) در صورتی که در کشورهای صنعتی سن گروه مزبور به ۱۶ یا ۱۷ سالگی میرسد تعداد اطفال لازم‌التعلیم خارج از مدرسه در سن آموزش ابتدائی (۱۱ - ۶ ساله) که در پایان سالهای ۶۰ حداکثر به حدود ۷۵ میلیون نفر می‌رسید. با کوشش‌های فزاینده‌ای که تقریباً در تمام کشورهای منطقه برای تعمیم آموزش ابتدائی به کار رفته مرتباً کاهش می‌یابد، بطوریکه نسبت آن در سال ۱۹۶۰ بیش از ۵۰ درصد بوده در سال ۱۹۸۲ حداقل به میزان ۳۰ درصد تقلیل یافته است (به جدول شمار ۱۰ مراجعه شود).

در مرتبه دوم باید از آن گروه جوانانی نام برد که سن تحصیل اجباری را پشت سر نهاده ولی در یک مؤسسه آموزشی ثبت نام نکرده‌اند. هرگونه دور اندیشی و اتخاذ تدابیر لازم و فعالیت در زمینه پوشش آموزشی قرار دادن این گروه از جوانان (۱۷ - ۱۲ ساله و ۲۳ - ۱۸ ساله) به دلیل اهمیتی که آنها از نظر تولید - کار، کشاورزی و غیره در توسعه ملی دارند ضروری و واجد اهمیت فراوان می‌باشد.

ضمناً علیرغم توسعه واحدها و تجهیزات آموزشی در دوره متوسطه و عالی و نیز بهبود حاصل در میزانهای نسبت اشتغال به تحصیل، تعداد جوانان ۱۷ - ۱۲ ساله و ۲۳ - ۱۸ ساله خارج از مدرسه نه تنها قطع نشده بلکه افزایش کندی هم داشته است. و این امر تا آغاز نتایج

اطفال و جوانان خارج از مدرسه در کشورهای در حال توسعه آسیا و اقیانوس آرام
 در سالهای ۸۲ - ۱۹۶۰ (به میلیون نفر)^۱
 جدول شماره ۱۰

تفاوت در فاصله سالهای ۸۲ - ۱۹۷۰ (به میلیون نفر)	سال				گروه‌های سنی
	۱۹۸۲	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
+۴۵	۲۲۷	۲۲۱	۱۸۲	۱۳۳	تعداد دانش‌آموزان
-۷	۶۷	۷۲	۷۴	۶۸	تعداد اطفال خارج از مدرسه
	۳۹/۴	۳۲/۸	۴۰/۵	۵۱/۰%	درصد اطفال خارج از مدرسه
+۵۴	۲۰۳	۱۹۵	۱۴۹	۱۰۹	تعداد دانش‌آموزان
+۲۴	۱۳۱	۱۲۹	۱۰۷	۸۸	تعداد اطفال خارج از مدرسه
	۶۴/۷%	۶۵/۸%	۷۱/۹%	۸۱/۱%	درصد اطفال خارج از مدرسه
+۵۸	۱۷۵	۱۶۵	۱۱۷	۹۶	تعداد دانش‌آموزان
+۴۸	۱۵۸	۱۵۱	۱۱۰	۹۳	تعداد اطفال خارج از مدرسه
	۹۰/۴%	۹۱/۳%	۹۳/۵%	۹۶/۲%	درصد اطفال خارج از مدرسه
+۱۵۷	۶۰۵	۵۸۱	۴۴۸	۳۳۸	تعداد دانش‌آموزان
+۶۵	۳۵۶	۳۵۲	۲۹۱	۲۴۹	تعداد افراد خارج از مدرسه
	۵۸/۸%	۶۰/۱۶%	۶۵/۱۰%	۷۳/۷%	درصد افراد خارج از مدرسه
					کل (۶ - ۲۳) ساله

(۱): مأخذ: اداره آمارهای بونسکو

غیر از آمارهای جمهوری خلق چین و جمهوری دموکراتیک خلق کره

محسوس کاهش جدید در میزان ولادت بر روی گروه‌های سنی مذکور ادامه خواهد یافت.

۲ - ۴ سواد و بیسوادی بزرگسالان:

یکی از عوامل اساسی برای تخمین درجه آموزش، میزان باسوادی جمعیت فعال در گروه سنی ۶۴ - ۱۵ ساله می‌باشد.

بررسی‌ها نشان میدهد که تقریباً تعداد ۶۱۸ میلیون نفر بیسواد زن و مرد در سن ۱۵ سال و بیشتر در کشورهای در حال توسعه آسیا و اقیانوس آرام زندگی می‌کنند که این عده حدود $\frac{3}{4}$ کل جمعیت بیسواد بزرگسال جهان را تشکیل می‌دهند. (جدول شماره ۱۱).

تعداد بیسوادان و میزان باسوادی در جهان و در مناطق در حال توسعه (در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر) سالهای (۸۵ و ۱۹۷۰)

جدول شماره ۱۱

میزان باسوادی (درصد)		تعداد بیسوادان (به میلیون نفر)			منطقه	شرح
		تفاوت ۸۵ - ۱۹۷۰	۱۹۸۵	۱۹۷۰		
۱۹۸۵	۱۹۷۰					جهان
۸۴/۲	۶۷/۱	+۹۷	۸۵۷	۷۶۰		کشورهای در حال توسعه آسیا و اقیانوس آرام
۶۳/۷	۵۳/۶	+۸۱	۶۱۸	۵۳۷		آفریقا
۴۶/۰	۲۸/۹	+۲۲	۱۶۲	۱۴۰		آمریکای لاتین و کارائیب
۸۲/۷	۷۲/۷	-	۴۴	۴۴		

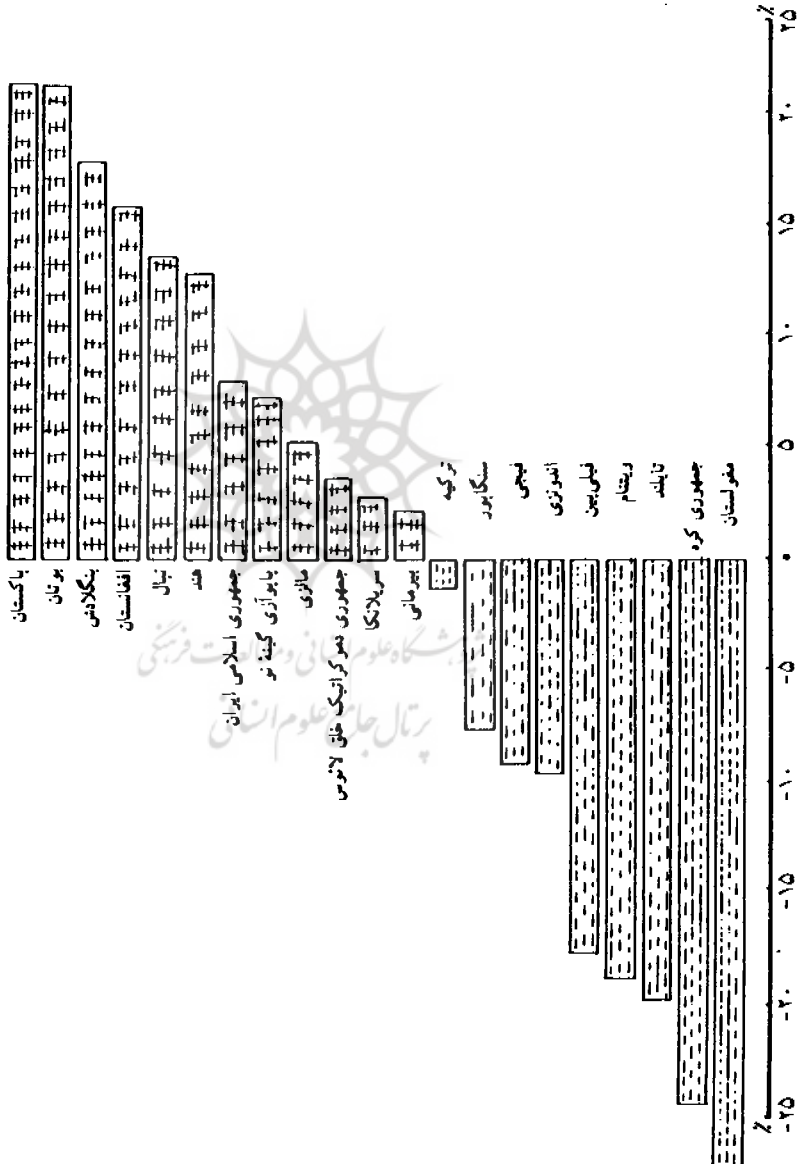
مأخذ: اداره آمار یونسکو (تخمینی و پیش‌بینی سال ۱۹۸۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مسأله دیگر این است که اگرچه میزان باسوادی در کشورهای در حال توسعه منطقه در جریان ۱۵ سال اخیر بالا رفته است در عوض تعداد بیسوادان (سنین ۱۵ ساله و کمتر) هم تقریباً به تعداد ۸۰ میلیون نفر زیاد شده است. این امر روشن می‌کند که آهنگ باسوادی جمعیت فعال بسا رشد جمعیت (رشد دموگرافیک) هماهنگ نیست و این در حالی است که اطفال لازم‌التعلیم از مدارس ابتدائی ترک تحصیل می‌کنند و به صفوف و خیل بیسوادان اضافه میشوند درجه باسوادی در کشورهای مختلف به شرح زیر است.

۹ کشور در حال توسعه منطقه حداقل ۸۰ درصد، پنج کشور بین ۵۰ تا ۸۰ درصد و هفت کشور نزدیک به ۵۰ درصد میزان باسوادی دارند. نمودار شماره پنج تغییرات تعداد بیسوادان را نشان می‌دهد.

تخمین تغییرات تعداد بیسوادان (به درصد) در سنین ۱۵ سال و بیشتر سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ (۲۱ کشور) نمودار شماره ۵



تحول وضع سواد در ایران به تفکیک نقاط شهری و روستائی وزن و مرد در طی ۲ جدول جداگانه بشرح زیر در فاصله سی سال اخیر (۶۵ - ۱۳۳۵) از نظر می گذرد:

الف: تحول میزان باسوادی (به درصد) در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ به تفکیک مناطق شهری و روستائی کل کشور*

در افراد ۶ و بالاتر	در افراد ۷ سالمه بالاتر		در افراد ۱۰ ساله و بالاتر	سن و سال
	۱۳۵۵	۱۳۴۵		شرح
۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	کل کشور
۶۱/۷	۴۷/۱	۲۸/۷	۱۴/۹	نقاط شهری
۷۳	۶۵/۲	۵۰/۴	۳۳/۳	نقاط روستائی
۵۱/۳	۲۹/۷	۱۴/۶	۶/۰	

ب: تحول میزان باسوادی (به درصد) در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ به تفکیک زن و مرد در کل کشور*

در افراد ۶ ساله و بالاتر	در افراد ۷ سالمه بالاتر		در افراد ۱۰ ساله و بالاتر	سن و سال
	۱۳۵۵	۱۳۴۵		جنس
۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	مرد و زن
۶۱/۷	۴۷/۱	۲۸/۷	۱۴/۹	مرد
—	۵۸/۶	۳۹/۲	۲۲/۲	زن
—	۳۵/۰	۱۷/۴	۷/۳	

(*): مأخذ: نشریات سرشماری مرکز آمار ایران.

باید دانست که بیسوادى با فقر و تهی‌دستى توده‌هاى مردم، عدم توسعه اجتماعى و اقتصادى همچنان ثابت و تغییرناپذیر باقى می‌ماند. کشورهاى که نصف جمعیت بزرگسال در آنها بیسواد باشد در برابر آنچه که به سایر عوامل اجتماعى - اقتصادى مربوط باشد در سطح پائین‌ترى قرار می‌گیرند. اینگونه کشورها با چند استثنا محدود داراى خصوصیات زیر هستند:

- میزان مرگ و میر اطفال زنده به دنیا آمده در آنها بیش از ۱۰۰ در هزار می‌باشد.

- نسبت اطفالی که داراى سوءتغذیه هستند بین نصف و دو سوم است.

- امید زندگى در هنگام تولد به کمتر از ۵۰ سال میرسد.

- امراض جلدی و مسرى فزون می‌باشد.

- یک سوم تا نصف جمعیت به هیچ نوع منبع آب قابل شربى دسترسی ندارند.

- نسبت زیادى از خانواده‌ها (حداقل نصف) درآمد پائین در حد تهی‌دستى یا حداقل لازم برای رفع نیازهاى اساسى دارند.

با وجود نقصان و یا ضعف داده‌هاى لازم برای تجزیه و تحلیل وضع سواد و بیسوادى در کشورها می‌توان قسمت اعظم بیسوادان را شامل دو گروه دانست. اولین گروه بیسوادان، افراد بزرگسالى هستند که در مناطق روستائى زندگى می‌کنند. و دومین گروه عمده بیسوادان را زنان تشکیل می‌دهند (۶۰ درصد از ۶۱۸ میلیون نفر بیسواد کشورهاى در حال توسعه منطقه را زنان تشکیل می‌دهند و این در حالى است که در سالهاى اخیر پوشش آموزشى دختران در آموزش رسمى بطور دلگرم‌کننده‌اى افزایش یافته است. بطوریکه بین سالهاى ۱۹۷۰ و ۱۹۸۲ تعداد دختران ثبت‌نام کرده در دوره ابتدائى از ۱۱۰ میلیون نفر به ۱۵۳ میلیون نفر و در دوره متوسطه از ۳۷ به ۵۹ میلیون نفر رسیده است.*

افزایش تعداد زنان جوان در آموزش عالی هم قابل‌ملاحظه شده است (از ۴/۱ میلیون نفر) در سال ۱۹۷۰ به رقم ۷/۵ میلیون نفر در سال ۱۹۸۲ بالغ شده است.

پوشش آموزشى یا میزان اشتغال به تحصیل دختران در دوره‌هاى ابتدائى و متوسطه در ۲۳ کشور منطقه بوسیله جدول شماره ۱۲ مشخص شده است. این جدول حاكى از آنست که میزان مزبور بین ۱۰ درصد تا بیش از ۱۰۰ درصد در نوسان می‌باشد، (به دلیل وجود اطفالی که هنوز به سن تحصیل نرسیده یا از سن نرمال گذشته‌اند).

* در ایران تعداد دانش‌آموزان دختر در فاصله همین سالها در دوره ابتدائى از ۲۰۶۷۲۰ نفر و در دوره متوسطه عمومى از ۳۳۴۷۵۷ نفر در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) به ترتیب به ۲۲۸۴۶۰۰ نفر و ۳۸۱۹۹۱ نفر در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) رسیده است. ضمناً براساس آخرین آمار موجود در سال تحصیلى ۶۶ - ۶۵ تعداد دانش‌آموزان دختر بشرح زیر می‌باشد:

ابتدائى ۳۱۷۳۹۶۷ نفر راهنمائى ۸۹۳۳۹۲ نفر متوسطه عمومى ۴۶۲۷۳۶ نفر سایر دوره‌ها ۱۷۰۲۳۲ نفر. مأخذ: سالنامه‌هاى آمار وزارت آموزش و پرورش دفتر هماهنگى طرحها و برنامه‌ریزىهاى توسعه.

میزان‌های ناخالص اشتغال به تحصیل دختران در آموزش ابتدائی و متوسطه در سالهای ۸۲- ۱۹۷۰
(۲۳ کشور)

جدول شماره ۱۲

متوسطه			ابتدائی			شرح نام کشورها
تفاوت (به درصد)	۱۹۸۲	۱۹۷۰	تفاوت (به درصد)	۱۹۸۲	۱۹۷۰	
+۳	۵	۲	+۷	۱۴	۷	افغانستان
+۱	۷	۶	+۱۵	۴۹	۳۴	بنگلادش
+۱	۱	-	+۹	۱۰	۱	بوتان
+۴	۲۱	۱۷	+۱	۸۴	۸۳	بیرمانی
+۶	۲۱	۱۵	+۱۴	۷۰	۵۶	هند
+۱۶	۲۷	۱۱	+۳۸	۱۰۹	۷۱	اندونزی
+۱۲	۳۳	۲۱	+۲۸	۸۱	۵۳	جمهوری اسلامی ایران ^۱
+۲۲	۵۰	۲۸	+۷	۹۱	۸۴	مالزی
+۲۱	۹۰	۶۹	-۸	۱۰۸	۱۱۶	مغولستان
+۶	۹	۳	+۳۵	۴۳	۸	نیپال
+۳	۸	۵	+۱۱	۳۳	۱۲	پاکستان
+۲۲	۶۷	۴۵	-	۱۰۷	۱۰۷	فیلیپین
+۴۹	۸۲	۳۳	-	۱۰۳	۱۰۳	جمهوری کره
+۱۹	۲۱	۲	+۴۵	۹۳	۳۸	جمهوری خلق لاتوس
+۲۰	۶۵	۴۵	-	۱۰۲	۱۰۲	سنگاپور
+۷	۵۵	۴۸	+۷	۱۰۱	۹۴	سريلانکا
+۱۳	۲۹	۱۶	+۶	۹۳	۸۷	تایلند
+۱۳	۲۸	۱۵	+۲	۹۵	۹۳	ترکیه
+۹	۴۸	۳۹	-۸	۱۰۶	۱۱۴	ویتنام ^۱
+۱۲	۹۲	۸۰	-۷	۱۰۸	۱۱۵	استرالیا
+۸	۹۴	۸۶	+۱	۱۰۰	۹۹	ژاپن
+۶	۸۲	۷۶	-۵	۱۰۴	۱۰۹	زلاندنو
+۱۰	۹۶	۸۶	+۲	۱۰۵	۱۰۳	روسیه شوروی

کشورهای در حال توسعه

توسعه یافته کشورها

(۱): ارقام مندرج در ستون ۱۹۷۰ مربوط به سال ۱۹۷۵ می‌باشد.

مآخذ: اداره آمارهای یونسکو.

پوشش آموزشی یا درصد ناخالص اشتغال به تحصیل دختران در کشورمان علاوه بر آنچه در جدول شماره ۱۲ از طرف یونسکو داده شده است طی ۲ جدول جداگانه نیز محاسبه و ذیلاً ارائه میگردد تا با توجه به داده‌های سه جدول امکان مقایسه و نتیجه‌گیری فراهم آید.

الف: میزان ناخالص اشتغال به تحصیل دختران در دوره‌های مختلف تحصیلی در بیست سال اخیر
(۵ - ۱۳۴۵) (به درصد)

دوره‌های تحصیلی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵*	تفاوت به درصد	
	(۱۹۶۶)	(۱۹۷۶)	(۱۹۸۶)	۵۵ - ۶۵	۴۵ - ۵۵
ابتدایی	۴۶/۵	۷۴/۹	۹۱/۷	+۱۶/۸	+۲۸/۴
راهنمایی تحصیلی	—	۴۱/۳	۵۴/۵	+۱۳/۲	—
متوسطه عمومی	۱۹/۴	۲۰/۰	۲۴/۲	+۴/۲	+۰/۶

لازم به یادآوری است که در جدول فوق، گروه‌های سنی جمعیت به ترتیب ۱۰ - ۶ ساله ۱۳ - ۱۱ ساله و ۱۷ - ۱۴ ساله برای دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی در نظر گرفته است در حالیکه در جدول (ب) که ذیلاً از نظر میگذرد نشریه سرشماری گروه‌های سنی ۱۱ - ۷ ساله و ۱۴ - ۱۲ ساله و ۱۹ - ۱۵ ساله را برای دوره‌های مربوط در نظر گرفته‌اند که چون با اختلاف یکسال تقریباً همان گروه‌های سنی مورد نظر و عملکرد ما باشد، لذا به همان شکل در جدول آورده شده که از این طریق هم امکان مقایسه فراهم آید.

ب: تعداد جمعیت و محصل کل کشور بر حسب جنس (زن و مرد) در گروه‌های سنی مربوط و درصد اشتغال به تحصیل در سالهای ۵۵ - ۱۳۴۵

سال	۱۱ - ۷ ساله (ابتدایی)			۱۴ - ۱۲ ساله (راهنمایی)			۱۹ - ۱۵ ساله متوسطه عمومی			
	جمعیت	محصل	درصد	جمعیت	محصل	درصد	جمعیت	محصل	درصد	
۱۳۴۵	زن	۱۷۴۴۴۸۱	۲۱۸۲۶۸	۳۵/۴	۸۵۷۲۷۴	۲۵۷۳۲۵	۳۰/۰	۱۰۹۳۷۹۷	۱۴۸۲۷۲	۱۳/۶
	مرد	۱۹۰۳۲۸۲	۱۱۵۱۶۵۰	۶۰/۵	۹۶۵۱۰۳	۵۳۶۱۹۲	۵۵/۶	۱۰۸۷۰۹۰	۳۴۳۳۷۹	۳۱/۶
۱۳۵۵	زن	۲۳۱۴۱۳۰	۴۷۷۹۴۵۸	۶۳/۹	۱۱۹۷۵۷۶	۵۹۱۶۱۰	۴۹/۴	۱۷۸۱۷۲۶	۴۶۰۲۸۶	۲۵/۸
	مرد	۲۴۹۹۱۲۴	۲۱۵۸۶۹۲	۸۶/۴	۱۲۳۴۴۰۴	۱۰۱۳۸۰۵	۸۲/۱	۱۸۱۸۵۳۹	۸۵۳۸۰۶	۴۷/۰

مآخذ: نشریه شماره ۱۸۶ سرشماری کل کشور.

* مآخذ: جمعیت گروه‌های سنی از نشریات سرشماری استخراج و محاسبه شده و سال ۱۳۶۵ نیز برآورد گردیده است.

تعداد دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی نیز از سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش استخراج گردیده است.

در کشورهایی که میزان اشتغال به تحصیل کل (پسران و دختران) آموزش ابتدایی در آنها به ۸۰ درصد می‌رسد می‌توان گفت که در آن کشورها امر تعلیم آموزش ابتدایی موفق بوده و روشن است که در این توفیق افزایش عده دختران تحت تعلیم مؤثر بوده است. از اینرو با توجه به اثرات مثبت تحصیل دختران در وضع کلی اشتغال به تحصیل باید نهایت سعی و کوشش را در جذب دختران به مدرسه به عمل آورد.

در کشور ما اثرات مثبت تحصیل تعداد بیشتری از دختران را در بالا بردن نسبت اشتغال به تحصیل می‌توان از جدول ذیل که گویای سیر صعودی درصد دانش‌آموزان دختر می‌باشد بخوبی مشاهده نمود.

درصد دانش‌آموزان دختر در کل دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی از سال ۱۳۳۹ الی ۱۳۶۵ کل کشور (*)

سال	۱۳۳۹ (۱۹۶۰)	۱۳۴۹ (۱۹۷۰)	۱۳۵۰ (۱۹۷۱)	۱۳۵۹ (۱۹۸۰)	۱۳۶۵ (۱۹۸۶)
دوره‌های تحصیلی					
ابتدایی	۳۲	۳۵/۳	۳۵/۵	۳۶/۹	۴۳/۹
راهنمایی تحصیلی	—	—	۳۷/۶	۸۰/۱	۳۸/۹
متوسطه عمومی	۲۹	۳۳	۳۳/۵	۴۰/۹	۴۳/۰

(*) مآخذ: سالنامه‌های آمار وزارت آموزش و پرورش. سال ۱۳۵۰ — به دلیل وجود آمار دوره راهنمایی تحصیلی در نظام جدید آموزشی و سال ۶۵ — ۶۴ به دلیل ارائه آخرین آمار موجود و بقیه سالها جهت مقایسه با جدول شماره ۱۳ یونسکو درج گردیده است.

۵ — هدف‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش

با اینکه روشهای فرموله و یکنواخت طرحهای ملی در اثر شرایط و ویژگیهای اجتماعی — فرهنگی — سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف منطقه فرق می‌کند، معینا ملاحظه می‌شود که مجموعه‌ای از هدفهای مشترک و یکنواخت در طرحهای مربوط به تعلیم و تربیت وجود دارد که هدفهای مزبور خود بخوبی نشانگر اهمیت آموزش و پرورش در توسعه ملی می‌باشد. از جمله هدفها و سیاست‌های یکنواخت مزبور را می‌توان از موارد زیر نام برد: ایجاد مهارتهای لازم، بالا بردن ارزشهای اخلاقی، واقعیت‌های مربوط به حفظ و حراست ارضیه‌های فرهنگ ملی و ارزشهای معنوی و انسانی، حق برخورداری از تعلیم و تربیت، اهتمام روبه‌فزونی در منظور کردن احتیاجات اساسی انسانی و تقلیل فقر و عدم تساوی‌های اجتماعی و اقتصادی، مسائل مربوط به گروه‌های ناسازگار جمعیت، ارتقاء سطح تربیتی و فرهنگی توده‌ها، نوگرایی (مدرنیزه کردن) اجتماعی — فرهنگی و اقتصادی، آموزش علوم تکنولوژی و بالاخره توجه به هدف‌های کمی توسعه و تعمیم آموزش ابتدایی و مطرح نمودن مساله بیسوادی بزرگسالان و....

فصل دوم

فصل دوم نشریه با عنوان «آموزش و پرورش برای همه» به مباحثی از قبیل: تعمیم آموزش ابتدایی و ریشه‌کن کردن بیسوادی و مسائل مربوط به آن مباحث می‌پردازد.

۱ - تعمیم آموزش ابتدایی

در منطقه آسیا و اقیانوس آرام به آموزش ابتدایی ارزش خاصی قائل می‌شوند تا جایی که آنرا عامل مهم و بزرگ تغییرات اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌کنند. از این رو در موقع اجلاس و کنفرانس‌های منطقه‌ای یکی از اولویت‌های اساسی برای سالهای آینده معمولاً عمومیت اشتغال به تحصیل یا به عبارتی تعمیم آموزش ابتدایی مورد نظر قرار می‌گیرد مانند «طرح کراچی» (۶۰ - ۱۹۵۸) که قبلاً از آن یاد شد و تأکیدات چهارمین کنفرانس منطقه‌ای (کلمبو ۱۹۷۱) و سایر مدل‌های توسعه آموزش و پرورش.

ابعاد سه‌گانه تعمیم آموزش ابتدایی عبارتند از:

۱ - ۱ تعمیم آموزش از طریق ورود به آموزش. بطوریکه با ایجاد انگیزه‌های لازم کلیه اطفال لازم‌التعلیم بتوانند از آموزش دائمی برخوردار شوند.

خارج بودن دختران از آموزش را می‌توان یکی از موانع و مشکلات موجود در راه تعمیم آموزش ابتدایی دانست نام برد و می‌توان گفت که - از اطفالی که در گروه سنی تحصیل اجباری در مدرسه ثبت نام نکرده‌اند از دختران می‌باشند پس با ورود لانها به مدرسه گام بزرگی در راه تعمیم آموزش برداشته می‌شود. به غیر از آنها می‌توان از چندین گروه دیگر مانند اطفال مردمان فقیر مناطق روستایی، گروه‌های اقلیت، چادر نشین‌ها، مردمان مناطق کوهستانی و دیگر مناطق صعب‌العبور و کودکان ناسازگار و ... نام برد که به سیستم آموزشی وارد نشده‌اند.

۲ - ۱ ضریب نگهداری: در اغلب کشورها منطقه یکی از موانع بزرگ در راه تعمیم آموزش ابتدایی این است که تعداد زیادی از اطفالی که در مدرسه ثبت نام می‌کنند اصولاً قبل از پایان دوره اول آموزش و همچنین قبل از پایان دو سال نخستین، تحصیل خود را ترک می‌کنند. وسعت و فراوانی پدیده مزبور، از یکطرف و ضعف و نارسایی سیستم آموزشی را می‌رساند. و از طرف دیگر اتلاف منابع انسانی و مادی موجود در سیستم را آشکار می‌کند. میزان‌های ترک تحصیل از ۳ تا ۸۰ درصد تغییر می‌کند، بر اساس داده‌های موجود در اواخر سالهای ۱۹۷۰ سالانه بیش از ۲۵ میلیون طفل قبل از وارد شدن به سال چهارم تحصیلات مدرسه‌ای را ترک می‌کرده‌اند جدول شماره ۱۴ میزان ترک تحصیل و برعکس میزان نگهداری (یعنی درصد اطفالی که در یکسال وارد شده و دوره ابتدایی را به پایان می‌رسانند) را در ۱۷ کشور در حال توسعه منطقه نشان می‌دهد.

ضریب نگهداری و ترک تحصیل در آموزش ابتدائی (۱۷ کشور در حال توسعه)
جدول شماره ۱۴

میزان ترک تحصیل قبل از آخرین سال تحصیل	میزان نگهداری تا آخرین سال تحصیل	تعداد سالهای تحصیل	سال ورود به کورسرت (سیستم آموزشی)	شرح نام کشورها
۴۶	۵۴	۸	۱۹۸۰	افغانستان
۸۰	۲۰	۵	۱۹۸۰	بنگلادش
۸۰	۲۰	۶	۱۹۷۶	بوتان
۶۴	۳۲	۵	۱۹۷۲	بیرمانی
۱۰	۹۰	۶	۱۹۸۰	فیجی
۵۹	۴۱	۵	۱۹۶۹	هند
۳۲	۶۸	۶	۱۹۸۰	اندونزی
۳۰	۷۰	۶	۱۹۶۹	جمهوری اسلامی ایران *
۲	۹۷	۶	۱۹۸۰	مالزی
۸	۹۲	۳	۱۹۷	مفولستان
۲۸	۸۲	۶	۱۹۷۹	فیلیپین
۳	۹۷	۶	۱۹۸۰	جمهوری کره
۵۴	۴۶	۵	۱۹۷۷	جمهوری سوسیالیستی ویتنام
۱۰	۹۰	۶	۱۹۸۰	سنگاپور
۹	۹۱	۶	۱۹۸۰	سریلانکا
۵۷	۳۳	۷	۱۹۷۶	تایلند
۸	۹۲	۶	۱۹۷۸	تونگا

مأخذ: اداره آمارهای یونسکو

* به صفحه بعد مراجعه شود.

چون در مورد ضریب نگهداری به شیوه علمی و سیستم کوهورت در حال حاضر بررسی جدید و جامعی در کشور ما بعمل نیامده، لذا برای آنکه علاقمندان در زمینه اکت تحصیلی و نتایج امتحانات، به آخرین داده‌های مطمئن دسترسی داشته باشند با استفاده از نتایج استخراجی امتحانات اطلاعاتی در مورد «قبولی» و «مردودی» و «ترک تحصیل» هر یک از پایه‌های تحصیلی دوره‌های آموزشی به شرح جداول زیر ارائه می‌شود:

میزان قبولی و اکت تحصیلی (به درصد) دوره‌های تحصیلی برحسب پایه کل کشور در طول سال تحصیلی ۶۴ - ۶۳ و ۶۵ - ۶۴ (آخرین آمار موجود)

الف

دوره‌های تحصیلی	اول		دوم		سوم		چهارم		پنجم		جمع	
	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل
ابتدائی	۷۴/۱	۱۶/۵	۹۰/۲	۷/۵	۲۱/۳	۲/۶	۸۲/۷	۲/۶	۱۱/۱	۲/۶	۸۳/۳	۴/۵
راهنمایی تحصیلی	۶۵/۳	۲۹/۴	۷۳/۱	۲۴/۶	۳/۳	-	-	-	-	-	۶۹/۹	۲۵/۷
متوسطه عمومی	۷۵/۵	۱۸/۰	۹۰/۰	۷/۲	۲/۸	۱۵/۰	۴/۴	۱۵/۰	۱۵/۰	۱۵/۰	۸۲/۴	۲/۴

نتیجه امتحانات (درصد قبولی و مردودی) از کل شرکت کنندگان در امتحانات خرداد و شهریورماه سال تحصیلی ۶۵ - ۶۴

ب

پایه تحصیلی	اول		دوم		سوم		چهارم		پنجم		جمع	
	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل	قبولی	ترک تحصیل
ابتدائی	۸۱/۷	۱۸/۳	۸۸/۸	۱۱/۲	۹۱/۸	۸/۲	۱۳/۸	۸۶/۲	۷۷/۲	۲۲/۷	۸۵/۲	۱۴/۸
راهنمایی تحصیلی	۶۴/۴	۳۵/۱	۷۲/۴	۲۶/۹	۶۶/۰	۳۲/۳	-	-	-	-	۶۷/۳	۳۲
متوسطه عمومی	۷۳/۲	۲۴	۷۹/۳	۱۷/۳	۸۵/۵	۱۱/۱	۲۴/۶	۷۰/۹	۱۱/۱	-	۷۶/۸	۱۹/۸

دلایل ترک تحصیل شناخته شده می‌باشند، این دلایل بیشتر به نظام اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و هم چنین نظام آموزشی مربوط می‌شوند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که نسبت شاگردانی که ترک تحصیل می‌کنند در خانواده‌های فقیر بسیار قوی‌تر از سایر خانواده‌ها می‌باشد. نوسان ترک تحصیل هم در جریان دو سال نخستین نیز بسیار بالا است.

اغلب دانش آموزانی که تحصیلات خود را ترک می‌کنند هیچ یک از آگاهی‌ها و مهارت‌های پایه‌ای را که در مدرسه آموخته‌اند نگهداری نمی‌کنند.

مطلب دیگری که در مورد افت تحصیلی و تکرار کنندگان و ترک تحصیل کنندگان می‌شود گفت این است که در صورت فقدان دلایل دیگر نتایج بد امتحانات هم در میزان بالا بودن افت تحصیلی بی‌تأثیر نیست. در تعدادی از کشورهای منطقه، متوسطه تکرار کنندگان در آموزش ابتدائی بین ۱۰ تا ۱۲ درصد می‌باشد. بررسی‌ها حاکی از آنست که تکرار کردن پایه یا مردودی مخصوصاً در جریان نخستین سالهای آموزش، نتایج آزمونی شاگردان را بهبود نمی‌بخشد و اثرات آشکاری در سطح آموزشی ندارد. در کشورهای در حال توسعه اغلب تکرار کنندگان یا مردودین ترک تحصیل می‌کنند.

یک بررسی انجام شده در تایلند نشان داده است که دو سوم شاگردانی که تحصیلاتشان را ترک کرده‌اند از مردودین بوده‌اند. بنا بر این هر گونه استراتژی (موضع گیری) ناظر به تعمیم آموزش ابتدائی باید شامل آنچنان معیارهای متناسبی باشد که هر چه بیشتر به کاهش مردودی و ترک تحصیل و ارتقاء ضریب نگهداری دانش آموزان بیانجامد.

۳-۱ نتایج تحصیلات: اگر در پایان نخستین مرحله از تحصیلات (دوره ابتدائی) تجارب و استعدادها و رفتارهای دانش آموزان در روبرو شدن با زندگی به کار آنان نیاید، می‌توان گفت که در واقع کوشش‌های آموزگاران و اعتبارات تخصیص یافته و تهیه وسایل و تجهیزات آموزشی و هزینه‌های مادی صرف شده در راه تعلیم و تربیت هیچ نتیجه و مفهومی نداشته و بیهوده بوده است. ۲- نوآوری در آموزش ابتدائی به پذیرش و تحقق یک تغییر کلی در بهبود روش‌های مربوطه به تهیه برنامه‌های آموزشی، سازمان بندی معلمان و امور مادی تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی و مدیریت و رهنمودهای خاصی استوار بوده و موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۱- ۲ ساخت‌های جدید برنامه‌ریزی و مدیریت.

۲- ۲ آموزش‌های تکمیلی غیر از نوع کلاسیک و رسمی آن بمنظور دادن نوعی آموزش‌های فشرده، بردن آموزش به مناطق کم جمعیت و کم تراکم، برخورداری جمعیت ایلی و چادر نشین با توجه به ساخت تربیتی خاص بوسیله ایجاد مراکز سیار کلاسهای چند نوبته و غیره با عناوینی که از قبیل (مدارس گروهی سریلانکا) (مدارس مرکزی پاکستان) مدارس نمونه سربازی تسایلند، و آموزش مختلط در هندوستان، مدارس چند نوبته چین و ... نام برد.

۳- ۲ آموزش از راه دور

۴- ۲ از بین بردن بیسوادی بزرگسالان: مطالعات ملی که بوسیله ۱۳ کشور عضو منطقه، برای یونسکو انجام شده است، کشورهای منطقه را از نظر باسوادی، جمعیت به ۳ گروه تقسیم می‌کند:

گروه الف: شامل کشورهایی است که کلاً با سوادی در آنها تا سال ۱۹۹۰ یا حتی زودتر از آن قابل

تحقق است. این کشورها عبارتند از: بیرمانی - مالزی - تایلند - سری لانکا - مغولستان - سنگاپور - جمهوری کره - فیلیپین - مالدیو - فیجی - ساموآ (۷ درصد جمعیت منطقه).

گروه ب: کشورهایی که تا حدود سال ۱۹۹۵ می‌توان کلاً با سواد را در آنها قابل تحقق دانست شامل: چین - اندونزی - ویتنام - ترکیه (۴۴ درصد جمعیت منطقه).
گروه ج: شامل کشورهایی می‌شود که هدف مزبور را تا حدود سال ۲۰۰۰ قابل تحقق می‌دانند. مانند: هند - جمهوری دموکراتیک خلق لائوس - پاکستان - بنگلادش - بوتان - افغانستان - پاپوآزی گینه نو - و نیال (۳۴ درصد جمعیت منطقه).

۵ - ۲ برنامه‌ریزی و کاربرد برنامه‌های سواد آموزی.

۶ - ۲ منابع مالی مصوب سوادآموزی.

۷ - ۲ سازماندهی آموزشگران.

۸ - ۲ فعالیت بعد از مرحله سواد آموزی.

۹ - ۲ استراتژی‌های مربوط به تعمیم آموزش ابتدایی و سواد آموزی بزرگسالان.

هر چند که برای یک استراتژی نمی‌توان محتوای خاصی را تعیین نمود، معیضاً تجارب موجود نشان می‌دهد که قدرتهای سیاسی کشورها معمولاً با رعایت ملاحظات و اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و هدفهای توسعه ملی جنبه‌های مختلف هر استراتژی مربوط به تعمیم آموزش ابتدایی و سواد آموزی را معین می‌کنند.

در تهیه و تدوین استراتژی مسائل کمی، کیفی، مسائل دائمی و مسائل جدید عوامل مربوط به تحقیق و بررسی و تخمین و در نظر گرفتن استراتژی‌های کلی توسعه ملی مثلاً مسدور نیز اسیون کشاورزی، استراتژی یا جهت‌گیری‌های مصوب مربوط به بخش‌های اجتماعی نظیر بهداشت عمومی و غیره را در مد نظر گرفت بطوریکه استراتژی‌های مربوط به تعمیم آموزش ابتدایی و سواد آموزی بزرگسالان بتواند ضمن هماهنگی با استراتژی‌های مذکور و تسهیل آنها به ویژه در سطح محلی بازوهای توانائی برای نیل به هدف‌های مطلوب جامعه باشند.

پرتال جامع علوم انسانی